

# پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۴ اسفند ماه ۱۴۰۲

بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلم چی (وقف عام)

۰۲۱-۶۴۶۳

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پیرایه موفقیت  
نوشته‌ای برای موفقیت

# پدید آورندگان آزمون

## طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی، محمدابراهیم تونزنده‌جانی، محمد حمیدی، سعید عزیزخانی، علی قهرمان‌زاده، فرشید کریمی، امیر محمودیان، ابراهیم نجفی، محمد نظامی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، محسن اصغری، عزیز الیاسی‌پور، سعید جعفری، سید علیرضا علویان، سجاد غلام‌پور سیوکی، فرهاد فروزان‌کیا، کاظم کاظمی، یاسین مهدیان، شیوا نظری، هومن نمازی
جامعه‌شناسی	ریحانه امینی، مهرشاد ایمانی‌نسب، آزیتا بیدقی، کوثر شاه‌حسینی، فاطمه صفری، حبیبه محبی، سید محمد مدنی دینانی، آرش مرتضائی‌فر
روان‌شناسی	حمیدرضا توکلی، مهدی جاهدی، محمد حبیبی، مهسا عفتی
عربی زبان قرآن	محمود بادبرین، ولی برجی، مجید بیگلری، عمار تاجبخش، علی رسولی، حسین رضائی، امیرحسین شکوری، کاظم غلامی، حمیدرضا قائدامینی، مرتضی کاظم‌شیرودی، احسان کلاته‌عربی، روح‌الله گلشن، سید محمدعلی مرتضوی، آیدین مصطفی‌زاده، پیروز وجان
تاریخ و جغرافیا	میلاد باغ‌شیخی، علیرضا پدram، صفا حاضری، زهرا دامیار، علیرضا رضایی، امیرحسین کاروین، زهرا کتبیبه، علی محمد کریمی، محمد ملکا‌آبادی‌زاده، جواد میربلوکی، میلاد هوشیار
فلسفه و منطق	سبا جعفرزاده صابری، نیما جواهری، پرگل رحیمی، محمد رضایی‌بقا، موسی سپاهی، حمید سودیان، حسن صدری، فرهاد قاسمی‌نژاد، فیروز نژادنجف، علیرضا نصیری
اقتصاد	مبین خزینی، آفرین ساجدی، سارا شریفی، مهدی ضیائی، مهدی کاردان

## گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار	ویراستار رتبه برتر کنکور	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمدابراهیم تونزنده‌جانی	محمد بحیرایی	مهدی ملارضائی، آروین حسینی، محمد حمیدی	_____	الهه شهبازی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	سیدعلیرضا احمدی، فرهاد علی‌نژاد	یاسین مهدیان	سپیده فتح‌اللهی	فریبا رئوفی
جامعه‌شناسی	کوثر شاه‌حسینی	کوثر شاه‌حسینی	_____	آرش مرتضائی‌فر، مهتاب شیرازی	سجاد حقیقی‌پور
روان‌شناسی	مهسا عفتی	مهسا عفتی	فرهاد علی‌نژاد، سعیده سعیدی	محمد صمدی زاداسفنگره	محمدصدرا پنجه‌پور
عربی زبان قرآن	احسان کلاته‌عربی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	_____	لیلا ایزدی
تاریخ و جغرافیا	زهرا دامیار	زهرا دامیار	_____	فاطمه عزیزی	عطیه محلوچی
فلسفه و منطق	سبا جعفرزاده صابری	علیرضا نصیری	فرهاد علی‌نژاد	علی زیبا، سبحان محمدی	سوغند بیگلری
اقتصاد	مهدی ضیائی	سارا شریفی	امیرعلی عشوریان	_____	سجاد حقیقی‌پور

## گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	فاطمه منصورخاکی
گروه مستندسازی	مدیر: مجیا اصغری، مسئول دفترچه: لیلا ایزدی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی

ریاضی و آمار (۳)

۱- گزینه «۲»

(معمد همیری)

$$n=1 \Rightarrow t_2 = -3t_1 \Rightarrow \frac{t_2}{t_1} = -3 \Rightarrow r = -3, t_1 = \frac{4}{3}$$

با توجه به جمله عمومی دنباله هندسی داریم:

$$t_n = t_1 r^{n-1} \Rightarrow 108 = \frac{4}{3} (-3)^{n-1}$$

$$\Rightarrow (-3)^{n-1} = \frac{324}{4} = 81 \Rightarrow (-3)^{n-1} = (-3)^4$$

$$\Rightarrow n-1 = 4 \Rightarrow n = 5$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۸)

۲- گزینه «۲»

(امیر مهوریان)

در دنباله هندسی با نسبت مشترک  $r$ ، رابطه بازگشتی به صورت

$$a_{n+1} = r a_n \text{ و } \frac{k}{r}$$

به عبارتی، یعنی  $r = \frac{k}{r}$  است.

نسبت جمله  $m+2$  به جمله  $m$  برابر است با:

$$\frac{a_{m+2}}{a_m} = \frac{a_1 \cdot r^{m+1}}{a_1 \cdot r^{m-1}} = r^2$$

از طرفی داریم:

$$\frac{a_{m+2}}{a_m} = \frac{6k}{3k-2}$$

از روابط فوق نتیجه می‌شود:

$$\frac{6k}{3k-2} = \left(\frac{k}{r}\right)^2 \Rightarrow \frac{6k}{3k-2} = \frac{k^2}{16}$$

در دنباله هندسی  $r \neq 0$  است. یعنی در این دنباله  $k \neq 0$  است. پس  $k$  را

از طرفین تساوی فوق حذف می‌کنیم. پس:

$$\frac{6}{3k-2} = \frac{k}{16} \Rightarrow 3k^2 - 2k = 96$$

$$3k^2 - 2k - 96 = 0 \Rightarrow \Delta = 4 - 4(3)(-96) = 1156$$

$$k = \frac{2 \pm \sqrt{1156}}{6} = \frac{2 \pm 34}{6} \Rightarrow \begin{cases} k=6 \Rightarrow r = \frac{k}{r} = \frac{6}{4} = \frac{3}{2} \\ k = \frac{-32}{6} = \frac{-16}{3} \Rightarrow r = \frac{k}{r} = \frac{4}{3} \end{cases}$$

$$\Rightarrow r = \frac{\frac{16}{3}}{\frac{4}{3}} = \frac{16}{12} = \frac{4}{3}$$

یعنی  $r$  می‌تواند  $\frac{3}{2}$  یا  $\frac{4}{3}$  باشد.

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۸)

۳- گزینه «۲»

(معمد همیری)

$$a_1 \times a_3 = 100 \Rightarrow a_1 \times a_1 r^2 = 100$$

$$\Rightarrow (a_1 r)^2 = 100 \xrightarrow{\text{جملات مثبت}} a_1 r = 10$$

$$a_4 = 3a_3 - 20 \Rightarrow a_1 r^3 = 3a_1 r^2 - 20$$

$$\Rightarrow \underbrace{a_1 r}_1 \times \underbrace{r^2}_1 = 3 \underbrace{a_1 r}_1 \times \underbrace{r}_1 - 20 \Rightarrow 10r^2 = 30r - 20$$

$$\Rightarrow r^2 - 3r + 2 = 0 \Rightarrow (r-2)(r-1) = 0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} r=2 \text{ قق} \\ r=1 \text{ غق} \end{cases}$$

$$a_1 r = 10 \xrightarrow{r=2} a_1 = 5$$

$$a_n = 320 \Rightarrow 320 = 5 \times 2^{n-1} \Rightarrow 64 = 2^{n-1} \Rightarrow n = 7$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۸)

۴- گزینه «۳»

(معمد نظامی)

می‌دانیم نسبت مشترک دنباله ۴ است. پس:

$$\frac{k^2}{2k-4} = 4 \Rightarrow k^2 = 8k - 16 \Rightarrow k^2 - 8k + 16 = 0$$

$$\Rightarrow (k-4)^2 = 0 \Rightarrow k = 4$$

با توجه به اینکه  $k = 4$  است. داریم:

$$\begin{cases} 2k - 4 = 8 - 4 = 4 \\ k^2 = 4^2 = 16 \end{cases} \Rightarrow 4, 16, \dots \Rightarrow a_1 = 4$$

$$a_n = a_1 r^{n-1} \Rightarrow a_n = 4(4)^{n-1} = 4^n$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۸)

۵- گزینه «۲»

(علی قهرمانزاده)

اگر بین  $a$  و  $b$ ،  $n$  واسطه هندسی درج کنیم، نسبت مشترک از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$r^{n+1} = \frac{b}{a} \Rightarrow 3^{n+1} = \frac{729}{3}$$

$$\Rightarrow 3^{n+1} = 243 \Rightarrow 3^{n+1} = 3^5 \Rightarrow n+1 = 5 \Rightarrow n = 4$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۳ تا ۸۵)

۶- گزینه «۳»

(ابراهیم نبوی)

$$a_1, a_2, a_3, a_4, a_5, a_6, a_7, \dots$$

$$a_1 + a_1 r + a_1 r^2 + a_1 r^3 = 85$$

$$a_1 r^3 + a_1 r^4 + a_1 r^5 + a_1 r^6 = 5440$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۸)

$$a_n = a_1 r^{n-1} \Rightarrow a_n = 120000 \times \frac{100-a}{100} \times \left(\frac{100-a}{100}\right)^{n-1}$$

$$\frac{a_n = 49152}{n=4}$$

$$49152 = 120000 \left(\frac{100-a}{100}\right)^4 \Rightarrow \frac{(100-a)^4}{100^4} = \frac{49152}{120000} = \frac{4}{10}$$

$$\Rightarrow (100-a)^4 = 40,960,000 \Rightarrow (100-a)^4 = (80)^4$$

$$\Rightarrow 100-a=80 \Rightarrow a=20$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۴ تا ۷۸)

(علی قهرمان زاده)

#### ۹- گزینه «۱»

با توجه به نمودار  $a_4 = \frac{1}{\Delta 4}$  و  $a_1 = \frac{1}{\Gamma}$

$$r^{4-1} = \frac{\frac{1}{\Delta 4}}{\frac{1}{\Gamma}} \Rightarrow r^3 = \frac{\Gamma}{\Delta 4} = \frac{1}{27} \Rightarrow r = \frac{1}{3}$$

می‌دانیم مجموع  $n$  جمله اول یک دنباله هندسی از رابطه

$$S_n = a_1 \left(\frac{r^n - 1}{r - 1}\right)$$

$$\frac{121}{162} = \frac{1}{2} \times \frac{\left(\frac{1}{3}\right)^n - 1}{\frac{1}{3} - 1} \Rightarrow \frac{121}{162} = \frac{1}{2} \times \frac{\left(\frac{1}{3}\right)^n - 1}{-\frac{2}{3}}$$

$$\frac{121}{162} = \frac{3}{2} \times \frac{1 - \left(\frac{1}{3}\right)^n}{2} \Rightarrow \frac{121}{162} = \frac{3(1 - \left(\frac{1}{3}\right)^n)}{4}$$

$$\frac{484}{486} = 1 - \left(\frac{1}{3}\right)^n \Rightarrow \frac{242}{243} = 1 - \left(\frac{1}{3}\right)^n \Rightarrow \left(\frac{1}{3}\right)^n = \frac{1}{243} \Rightarrow n = 5$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۴ تا ۸۵)

(امیر مضموریان)

#### ۱۰- گزینه «۴»

به اعداد ۶ و ۱۰ و ۱۶ مقدار ثابت  $x$  را اضافه می‌کنیم. یعنی  $6+x$  و  $10+x$  و  $16+x$  به ترتیب جملات پنجم، هفتم و نهم یک دنباله هندسی هستند، از آنجا که فاصله جملات یکسان است، داریم:

جمله هفتم، واسطه هندسی جملات پنجم و نهم است:

$$a_7^2 = a_5 \cdot a_9$$

$$(10+x)^2 = (6+x)(16+x) \Rightarrow 100 + 20x + x^2$$

$$= 96 + 6x + 16x + x^2$$

$$2x = 4 \Rightarrow x = 2$$

یعنی ۸ و ۱۲ و ۱۸ جملات پنجم، هفتم و نهم دنباله هندسی هستند:

$$\frac{a_7}{a_5} = \frac{12}{8} \Rightarrow \frac{ar^6}{ar^4} = \frac{12}{8} \Rightarrow r^2 = \frac{3}{2}$$

$$\Rightarrow r^3 \underbrace{(a_1 + a_1 r + a_1 r^2 + a_1 r^3)}_{85} = 5440$$

$$\Rightarrow r^3 = \frac{5440}{85} = 64 \Rightarrow r = 4$$

$$\Rightarrow \frac{a_8}{a_4} = \frac{a_1 r^7}{a_1 r^3} = r^4 = 4^4 = (2^2)^4 = 2^8$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۴ تا ۷۸)

(ابراهیم نغفی)

#### ۷- گزینه «۳»

$$a, 112, b, 28, \dots \Rightarrow \begin{cases} b^2 = 112 \times 28 \Rightarrow b = \sqrt{4 \times 4 \times 7 \times 4 \times 7} \\ = 4 \times 7 \times 2 = 56 \\ 112^2 = a \times 56 \Rightarrow a = \frac{112 \times 112}{56} = 224 \end{cases}$$

$$\Rightarrow 224, 112, 56, 28, \dots \Rightarrow r = \frac{1}{2}$$

$$a_7 = a_1 r^{7-1} = a_1 r^6$$

$$= 224 \times \left(\frac{1}{2}\right)^6$$

$$= \frac{224}{2} = \frac{7}{2}$$

یعنی جمله هفتم این دنباله برابر  $\frac{7}{2}$  است و مجموع شش جمله دوم دنباله

با شروع از  $\frac{7}{2}$  به صورت زیر خواهد بود:

$$S_6 = a_1 \times \frac{1-r^6}{1-r} = \frac{7}{2} \times \frac{1 - \left(\frac{1}{2}\right)^6}{1 - \frac{1}{2}} = \frac{7}{2} \times \frac{1 - \frac{1}{64}}{\frac{1}{2}} = \frac{7}{2} \times \frac{63}{64}$$

$$= \frac{7}{2} \times \frac{2 \times 63}{64} = \frac{7 \times 63}{64} = \frac{441}{64}$$

(ریاضی و آمار، (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۴ تا ۸۵)

(سعید عزیزقانی)

#### ۸- گزینه «۳»

دنباله حاصل از کاهش وزن سنگ‌آهن به مرور زمان از نوع هندسی است. با توجه به این که  $a$  درصد از وزن آن کاهش می‌یابد و اطلاعات سؤال در مورد وزن باقیمانده است، بنابراین به ازای هر قرن  $(100-a)$  درصد از وزن سنگ‌آهن باقی می‌ماند که دنباله آن به صورت زیر است:

وزن باقیمانده بعد از یک قرن

$$120000 \times \frac{100-a}{100}, 120000 \times \left(\frac{100-a}{100}\right)^2, \dots$$

با توجه به دنباله نوشته شده  $r = \frac{100-a}{100}$  و  $a_1 = 120000 \times \frac{100-a}{100}$

است که داریم:

$$= \frac{\frac{1}{2} + 1}{\frac{2}{5} \times 35} = \frac{\frac{3}{2}}{\frac{2}{5} \times 35} = \frac{3}{2} \times \frac{5}{2 \times 35} = \frac{3}{2} \times \frac{1}{14} = \frac{3}{28} = \frac{3}{28} = \frac{3}{28}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، ۱۸۶ تا ۹۴)

(کتاب آبی پیمانهای)

۱۴- گزینه «۳»

$$(125)^{\frac{2}{3}} + \left[ \frac{\frac{2}{25} + \dots + \frac{2}{25}}{25} \right] = (125)^{\frac{2}{3}} + \frac{2}{25 \times 25} = (125)^{\frac{2}{3}} + \frac{2}{625}$$

$$= (125)^{\frac{2}{3}} + (25)^{\frac{2}{3}} = (125)^{\frac{2}{3}} + (25)^{\frac{2}{3}}$$

$$\frac{125=5^3}{25=5^2} \rightarrow (5^3)^{\frac{2}{3}} + (5^2)^{\frac{2}{3}} = 5^2 + 5^{\frac{4}{3}} = 5^2 + 5^{\frac{4}{3}} = 5^{\frac{6}{3}} + 5^{\frac{4}{3}} = 5^{\frac{10}{3}}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، ۱۸۶ تا ۹۴)

(ممبر بفرایی)

۱۵- گزینه «۲»

ریشه چهارم مثبت ۲۵۶ برابر ۴ است، چون:

$$256 = 4^4$$

ریشه پنجم  $\frac{1}{243}$  برابر  $\frac{1}{3}$  است، چون:

$$\frac{1}{243} = \left(\frac{1}{3}\right)^5$$

$$\Rightarrow \text{مجموع} = 4 + \frac{1}{3} = \frac{13}{3}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، ۱۸۶ تا ۹۴)

### ریاضی و آمار (۲)

(سعید عزیزقانی)

۱۶- گزینه «۴»

با توجه به این که در بین داده‌ها، داده دورافتاده داریم، برای محاسبه خط فقر باید از میانه داده‌ها استفاده کنیم.

۱۰ داده داریم بنابراین میانگین داده‌های پنجم و ششم، میانه خواهد بود:

$$\text{میلیون تومان } M = \frac{3/8 + 4/1}{2} = \frac{7/9}{2} = \frac{3}{95}$$

بنابراین برای محاسبه خط فقر داریم:

$$\text{خط فقر} = \frac{\text{میانه}}{2} = \frac{3/95}{2} = 1/975$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

(فرشید کریمی)

۱۷- گزینه «۴»

**تکن:** خط فقر به روش میانگین برابر با نصف میانگین است.

ابتدا میانگین حقوق افراد شرکت را حساب می‌کنیم:

$$\bar{x} = \frac{13 + 8 + a + 18 + 14 + 30 + (a+2) + 9}{8} = \frac{94 + 2a}{8}$$

حال جمله اول دنباله هندسی را به دست می‌آوریم:

$$a_8 = a_1 r^7 = 8 \Rightarrow a_1 \left(\frac{3}{2}\right)^7 = 8 \Rightarrow \frac{9}{2} a_1 = 8 \Rightarrow a_1 = \frac{16}{9}$$

حاصل ضرب ۸ جمله اول دنباله:

$$\begin{aligned} & a_1 \cdot a_2 \cdot a_3 \cdot a_4 \cdot a_5 \cdot a_6 \cdot a_7 \cdot a_8 \\ &= a_1 \cdot a_1 r \cdot a_1 r^2 \cdot a_1 r^3 \cdot a_1 r^4 \cdot a_1 r^5 \cdot a_1 r^6 \cdot a_1 r^7 \\ &= a_1^8 \cdot r^{28} = \left(\frac{32}{9}\right)^8 \times (r^2)^{14} = \left(\frac{32}{9}\right)^8 \times \left(\frac{3}{2}\right)^{14} \\ &= \left(\frac{25}{32}\right)^8 \times \frac{3^{14}}{2^{14}} = \frac{2^{40}}{3^{16}} \times \frac{3^{14}}{2^{14}} = \frac{2^{26}}{3^2} \end{aligned}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۷۴ تا ۱۸۵)

### ریاضی و آمار (۳) - اختیاری

۱۱- گزینه «۴»

(ممبر ابراهیم توزندهانی)

$$x - |x| = 0 \Rightarrow |x| = x \Rightarrow x \geq 0$$

لذا  $x$  عددی مثبت است.

$$\sqrt[3]{\frac{x}{32}} \sqrt{\frac{26}{36 \times x^6}} = \sqrt[3]{\frac{x}{32}} \sqrt{\frac{2}{3|x|}} \quad |x > 0 \rightarrow$$

$$\sqrt[3]{\frac{2x}{96x}} = \sqrt[3]{\frac{1}{48}} = \sqrt[3]{\frac{1}{6 \times 8}} = \frac{1}{2\sqrt[3]{6}}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۱۸۶ تا ۹۴)

(ممبر بفرایی)

۱۲- گزینه «۲»

$$0/6 = \frac{6}{10} = \frac{3}{5}, 1/3 = \frac{5}{3}, \frac{3}{5} = \left(\frac{5}{3}\right)^{-1}$$

$$\Rightarrow A = (0/6)^5 \times (0/6)^2 \times \left(\frac{5}{3}\right)^7 = (0/6)^7 \times (0/6)^{-7}$$

$$= (0/6)^0 = 1$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرقطبی، صفحه‌های ۱۸۶ تا ۹۴)

(کتاب آبی پیمانهای)

۱۳- گزینه «۲»

$$\frac{\frac{2}{16} \cdot \frac{2}{5} \cdot \frac{2}{(35+35)}}{\frac{3}{6} \cdot \frac{2}{5}} = \frac{\frac{2}{16} \cdot \frac{2}{5} \times 2 \times 35}{\frac{3}{6} \cdot \frac{2}{5}}$$

$$\frac{16=2^4, 6=2 \times 3 \rightarrow \frac{2}{(2 \times 3)} \cdot \frac{2}{5} \times 2 \times 35}{\frac{2}{5} \times 2 \times 35} = \frac{2}{2 \times 3} \cdot \frac{2}{5} \times 2 \times 35$$

خط فقر برابر با ۹ شده، پس میانگین ۱۸ بوده:

$$\frac{94 + 2a}{8} = 18 \Rightarrow 94 + 2a = 144 \Rightarrow a = 25$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

۱۸- گزینه «۱»

(امیر محمودیان)

میزان مصرف گوشت را  $y$  کیلوگرم و میزان مصرف نان را  $4y$  کیلوگرم در نظر می‌گیریم.

قیمت هر کیلوگرم نان در سال ۹۴ را برابر  $x$  و قیمت هر کیلوگرم گوشت را در سال ۹۴ برابر  $20x$  در نظر می‌گیریم.

قیمت گوشت از سال ۹۴ تا ۹۷، ۵۰٪ افزایش داشته است:

$$\frac{\text{قیمت گوشت در سال ۹۷} - \text{قیمت گوشت در سال ۹۴}}{\text{قیمت گوشت در سال ۹۴}} = \frac{50}{100}$$

$$\Rightarrow \frac{20x - 20x}{20x} = \frac{1}{2}$$

$$97 \text{ قیمت گوشت در سال} = 20x + 10x = 30x$$

قیمت نان از سال ۹۴ تا ۹۷، ۲۰٪ افزایش داشته است:

$$\frac{\text{قیمت نان در سال ۹۷} - \text{قیمت نان در سال ۹۴}}{\text{قیمت نان در سال ۹۴}} = \frac{20}{100}$$

$$\Rightarrow \frac{97x - x}{x} = \frac{1}{5}$$

$$97 \text{ قیمت نان در سال} = \frac{1}{5}x \Rightarrow x = 485$$

$$\frac{30xy + \frac{1}{5}x(4y)}{20xy + x(4y)} \times 100 = \frac{xy(30 + \frac{4}{5})}{xy(20 + 4)} \times 100$$

$$= \frac{30 + \frac{4}{5}}{24} \times 100 = \frac{150 + 4}{24} \times 100 = \frac{154}{24} \times 100 = \frac{174}{12} \times 100$$

$$= \frac{29}{20} \times 100 = 145$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه ۵۹)

۱۹- گزینه «۱»

(مهمر نظامی)

برای محاسبه میزان درصد تورم، از فرمول زیر استفاده می‌کنیم:

$$100 \times \frac{\text{شاخص بهای کالا در سال پایه} - \text{شاخص بهای کالا در سال مورد نظر}}{\text{شاخص بهای کالا در سال پایه}}$$

$$\text{درصد تورم} = \frac{305 - 125}{125} \times 100 = \frac{180}{125} \times 100 = 144$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۸ تا ۶۰)

۲۰- گزینه «۲»

(مهمر ابراهیم توزندهانی)

$$\text{نرخ اولیه بیکاری} = \frac{\text{بیکار اولیه}}{2000}$$

$$\text{نرخ ثانویه بیکاری} = \frac{n - \text{بیکار اولیه}}{2000}$$

تعداد بیکار اولیه را،  $A$  در نظر می‌گیریم:

$$\frac{A}{2000} - \frac{A - n}{2000} = \frac{10}{100} \Rightarrow \frac{n}{2000} = \frac{10}{100} \Rightarrow n = 200$$

از طرفی:

$$\frac{\text{بیکار اولیه}}{\text{بیکار ثانویه}} = \frac{A}{A - n} = \frac{10}{6}$$

$$\frac{n=200}{A-200} = \frac{10}{6} \Rightarrow 10(A-200) = 6A$$

$$\Rightarrow 10A - 2000 = 6A \Rightarrow 4A = 2000 \Rightarrow A = \frac{2000}{4} = 500$$

$$\text{تعداد بیکاران ثانویه} = 500 - 200 = 300$$

حال اگر  $m$  شغل دیگر ایجاد شود، تعداد بیکاران  $300 - m$  می‌شود.

$$\frac{300 - m}{2000} = \frac{3}{4} \Rightarrow \frac{300 - m}{300} = \frac{3}{4}$$

$$\Rightarrow 1200 - 4m = 900$$

$$\Rightarrow 4m = 300 \Rightarrow m = 75$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۲۱- گزینه «۴»

(مهمر بهیرایی)

$$\text{جمعیت شاغل} - \text{جمعیت فعال} = \text{جمعیت بیکار}$$

$$\text{جمعیت بیکار} = 2400 - 2000 = 400$$

فرض کنیم  $x$  شغل جدید ایجاد شود، پس تعداد بیکاران به  $400 - x$  می‌رسد. بنابراین:

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times 100$$

$$5 = \frac{400 - x}{2400} \times 100 \Rightarrow 120 = 400 - x$$

$$\Rightarrow x = 280 \text{ شغل جدید}$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۲۲- گزینه «۱»

(مهمر بهیرایی)

ابتدا شاخص پایه آموزش اولیه را به دست می‌آوریم:

$$[(6+10) \times 0.4] / 4 = [6/4] = 6$$

برای حالتی که شاخص پایه آموزش مناسب پایه پنجم باشد داریم:

$$[(x+10) \times 0.4] / 4 = [0/4x + 4] = 5$$

## علوم و فنون ادبی (۳) و (۲)

## ۲۶- گزینه ۳

(عزیز الیاسی پور)

موارد نادرست:

پادشاهان صفوی به احوال و اوضاع شعرا توجه چندانی نداشتند. فرهنگ هند، تحت تأثیر فرهنگ ایران بود و نه برعکس. «خلاق المعانی ثانی» لقب کلیم کاشانی است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۵۹ تا ۶۱)

## ۲۷- گزینه ۳

(یاسین مهریان)

«الف»: برخی از تکبیت‌های «صائب تبریزی» شاهکارهایی از ذوق و اندیشه‌اند و بسیاری از آن‌ها، به‌صورت ضرب‌المثل رواج یافته‌اند. «ب»: واقع‌گرایی شاخصه اصلی شعر «وحشی بافقی» است. «ج»: ضرب‌المثل‌ها و الفاظ محاوره که زبان غزل این دوره را به افق خیال عامه نزدیک کرده، سخن «کلیم کاشانی» را برجسته ساخته است. «د»: یکی از جریان‌های شعری قرن دهم شعر لطیف و فصحی به شیوه سعدی و حافظ بود که باباغفانی شیرازی از نمایندگان آن است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۵۸، ۶۰ و ۶۱)

## ۲۸- گزینه ۲

(فرهار فرروزان‌کیا)

اولاً در قرن یازدهم رفاه اقتصادی این امکان را فراهم کرد که همه افراد به امور فرهنگی بپردازند و درثانی به سبب آشنایی ایرانیان با اروپا مراکز تجمعی مثل قهوه‌خانه‌ها پدید آمد که شاعران در آن‌جا به مشاعره، مناظره و نقد آثار یکدیگر می‌پرداختند.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۵۹ تا ۶۱)

## ۲۹- گزینه ۴

(هومن نمازی)

این بیت، اغراق ندارد. «گوهر سیراب» تشخیص دارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «ایهام تناسب: عود» در معنای چوب سوختنی آمده است و معنای انحرافی آن «ساز عود» با «ساز» تناسب دارد. / تشبیه: عنبر زلف، آتش سودا

گزینه ۲: «سیر» مجاز از بیزار / تضاد میان «خانقاه» و «کوی می‌فروش»  
گزینه ۳: «تلمیح به داستان حضرت سلیمان (ع) / ایهام در «باد به‌دست داشتن»: ۱- معنای کنایی، یعنی بی‌بهره‌بودن از وصال دوست، ۲- اینکه مانند سلیمان نبی، باد را هم به واسطه عشق تو در تسخیر خود آوردم.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع، ترکیبی)

## ۳۰- گزینه ۲

(هومن نمازی)

ایبات «الف» و «ج» تشبیه دارند. به‌ترتیب بیت «الف»، تن را به حجاب و بیت «ج»، رخ را «به گل لاله» تشبیه کرده‌اند.

$$\Rightarrow |0/4x| + 4 = 5 \Rightarrow |0/4x| = 1$$

$$\Rightarrow 1 \leq 0/4x < 2 \Rightarrow 2/5 \leq x < 5$$

درصد کلمات دشوار می‌تواند حداقل ۲/۵ شود یعنی ۳/۵ - ۲/۵ درصد کم شود.

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه ۶۲)

## ۲۳- گزینه ۲

(سعید عزیزفانی)

شاخص توده بدنی یا نماتوپ با استفاده از رابطه زیر به‌دست می‌آید:

$$BMI = \frac{\text{وزن (کیلوگرم)}}{\text{مربع‌قد (مترمربع)}}$$

وزن شخصی ۸۰ کیلوگرم است و  $BMI = 23$  یا  $BMI = 24$  است، بنابراین داریم:

$$23 = \frac{80}{\text{مربع‌قد}} \Rightarrow \text{مربع‌قد} = \frac{80}{23} = 3/48 \Rightarrow \text{قد} = \sqrt{3/48} = 1/86$$

$$24 = \frac{80}{\text{مربع‌قد}} \Rightarrow \text{مربع‌قد} = \frac{80}{24} = 3/33 \Rightarrow \text{قد} = \sqrt{3/33} = 1/82$$

بنابراین محدوده قد افراد مورد نظر برابر است با:

$$1/82 < \text{قد} < 1/86$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه ۶۱)

## ۲۴- گزینه ۳

(کتاب آبی پیمان‌های)

هزینه خوراکی و آشامیدنی‌ها در سال ۹۵

$$= \frac{\text{عدد شاخص در سال ۹۵} \times \text{هزینه خوراکی و آشامیدنی‌ها در سال ۹۲}}{\text{شاخص در سال ۹۲}}$$

$$\Rightarrow \text{هزینه} = \frac{600 \times 150}{100} = 900 \text{ هزار تومان}$$

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۵۸ و ۵۹)

## ۲۵- گزینه ۲

(کتاب آبی پیمان‌های)

با توجه به نمودار رسم شده، زاویه مربوط به افراد شاغل بالای ۱۶ سال را به‌دست می‌آوریم:

$$140^\circ = (60^\circ + 160^\circ) - 360^\circ = \text{زاویه مربوط به جمعیت شاغل}$$

$$200^\circ = 140^\circ + 60^\circ = \text{زاویه مربوط به جمعیت فعال}$$

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{60}{200} \times 100 = 30$$

نرخ بیکاری در این جامعه ۳۰ درصد است.

(ریاضی و آمار (۲)، آمار، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

بیت «ب»، «فتح باب» ایهام دارد: ۱- گشودن در ۲- گشایش در کارها  
در بیت «الف»، «چشم دل» اضافه استعاری است.  
در بیت «د» نیز «پا در رکاب بودن» و «نقش بر آب بودن» کنایه هستند.  
در بیت «ه» اغراق مشهود است.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع، ترکیبی)

### ۳۱- گزینه ۴»

(یاسین مهربان)

بیت «ج»: اغراق: زیاده‌روی شاعر، در توصیف اشک خود و خرابی ناشی از آن  
بیت «ب»: تشبیه: تشبیه مضمّر «چهره یار» به «آفتاب»  
بیت «د»: مجاز: «چشم» مجاز از «نگاه»

بیت «الف»: ایهام: «دست آخر»: ۱- آخرین دست بازی، ۲- در نهایت  
(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع، ترکیبی)

### ۳۲- گزینه ۱»

(یاسین مهربان)

ایهام: «مباد»: ۱- مبادا، ۲- زنده نباشد / تشبیهات: ۱- «گنج سعادت»، ۲-  
قبول اهل دل، کلید گنج سعادت است: تشبیه بلیغ اسنادی  
**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۲» فاقده ایهام «هزار» دارای ایهام تناسب است. / تشبیهات: ۱-  
«آفتاب می»، ۲- «مشرق پیاله»، ۳- «باغ عارض ساقی»  
گزینه ۳» فاقده ایهام «باز» دارای ایهام تناسب است. / تشبیهات: ۱-  
«بهار عمر»، ۲- «تخت چمن»، ۳- «چتر گل»  
گزینه ۴» ایهام: «مهر»: ۱- محبت، ۲- خورشید / تشبیه: ۱- «آینه روی»:  
تشبیه درون‌واژه‌ای (چهره، به آینه تشبیه شده‌است).

(علوم و فنون ادبی (۲) و (۳)، بیان و بدیع، ترکیبی)

### ۳۳- گزینه ۴»

(محسن اصغری)

اغراق: زیاده‌روی و بزرگ‌نمایی شاعر در اشک ریختن / ایهام ندارد. (توجه: واژه  
«مردم» در معنای «مردمک چشم» سازگار نیست و ایهام تناسب ساخته  
است.)

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱» ایهام: مهر (مهرپرور): محبت و عشق، ۲- خورشید / اغراق دارد.  
گزینه ۲» ایهام: تمام: ۱- بدر (حالت کامل ماه)، ۲- کافی و بسنده / اغراق  
دارد.

گزینه ۳» ایهام: روان: روح و جان، ۲- رایج و متداول / اغراق ندارد.  
(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، صفحه‌های ۸۸ تا ۹۰)

### ۳۴- گزینه ۴»

(سیدعلیرضا علویان)

در این بیت، واژه‌ای ایهام یا ایهام تناسب ندارد.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۱» ایهام دارد؛ هوا: ۱- هوای اطراف ما، جو زمین ۲- آرزو و عشق،  
میل و هوس

گزینه ۲» ایهام تناسب دارد؛ ۱- باز: در معنی پیشوند و جزئی از فعل  
بازگرفتن ۲- پرنده شکاری که مورد نظر نیست و با «مرغ» تناسب دارد.

گزینه ۳» بو: ۱- رایحه و عطر ۲- آرزو و امید  
(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۱)

### ۳۵- گزینه ۳»

(هومن نمازی)

گزینه ۱» منظور از منادا (سرو)، کسی شبیه آن است و استعاره مصرحه  
است.

گزینه ۲» «شکر» و «بادام» استعاره مصرحه از «لب» و «چشم» هستند.  
گزینه ۳» عشق را به انسانی تشبیه کرده است که پا دارد و این ساختار،  
اضافه استعاری است.

گزینه ۴» «این کعبه»، استعاره مصرحه از «کوی معشوق» است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

### ۳۶- گزینه ۲»

(عزیز الیاسی‌پور)

اغراق در بیت «ج» یافت می‌شود که گریه خونین شاعر باعث رنگین شدن  
کوی معشوق شده است.

بیت «الف»: «خاکستر» و «آینه» (شفاف): تضاد

بیت «د»: «میخانه»، «جام» و «جرعه» مراعات‌نظیر دارند.

بیت «ب»: «عهد» به دو معنی «دوران» و «پیمان»، ایهام دارد.

(علوم و فنون ادبی (۲) و (۳)، بیان و بدیع، ترکیبی)

### ۳۷- گزینه ۱»

(سپار غلام‌پور سیوکی)

«دم» را هم می‌توان لحظه معنا کرد و هم «نفس» بنابراین ایهام دارد و در  
معنای دوم «نفس» یادآور دم مسیحایی و زنده شدن مردگان با نفس حضرت  
عیسی (ع) است.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه ۲» «مردمان» در این بیت، به معنی «جماعت» است و معنی دیگر آن  
«مردمک‌های چشم» است که در این معنی، با واژه «اشک» ایهام تناسب  
می‌سازد.

گزینه ۳» «شانه»، یکی در معنی «شانه سر» و دیگری در معنی عضوی از  
بدن است که در این بیت معنا نمی‌دهد و با کلمات «دست» و «زلف»، ایهام  
تناسب می‌سازد.

گزینه ۴» واژه «رخ» در معنی چهره و رخسار در این بیت آمده است و در  
معنی مهره شطرنج، با واژه «شطرنج»، ایهام تناسب می‌سازد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، بدیع معنوی، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)



## ۳۸- گزینه «۱»

(یاسین موریان)

صورت سؤال، استعاره مکنیه را می‌خواهد.

در بیت گزینه «۱»، «باریدن سنگ»، دارای استعاره مکنیه غیرتشخیصی است: سنگ (مشبه) همانند باران (مشبه‌به) می‌بارد.

در این تشبیه، مشبه‌به حذف شده است و مشبه، به‌همراه یکی از ویژگی‌های مشبه‌به ذکر شده‌است.

توجه: هر تشخیصی، استعاره مکنیه است ولی هر استعاره مکنیه‌ای، تشخیص نیست (رابطه عموم و خصوص مطلق).

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۲»: «ای ماه»، استعاره مکنیه ندارد؛ زیرا «ماه» استعاره مصرحه از معشوق شاعر است و در واقع شاعر، یار خود را مورد خطاب قرار داده‌است، نه ماه را.

گزینه «۳»: «دیوار» استعاره مصرحه از جسم شاعر

گزینه «۴»: «عقیق» استعاره مصرحه از لب معشوق

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

## ۳۹- گزینه «۲»

(سپار غلام‌پور سیوکی)

وزن بیت داده‌شده، «مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فعلن» است.

(سپیده‌دم: مفاعلهن) (که صبا بو: فاعلاتن) (ی لطف جان: مفاعلهن) (گیرد: فعلن) «فعلن طبق اختیار ابدال»

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، ترکیبی)

## ۴۰- گزینه «۲»

(سید علیرضا احمدی)

وزن این بیت، «مفاعلهن فاعلاتن مفاعلهن فعلن» است.

(علوم و فنون ادبی (۲) و (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

## ۴۱- گزینه «۲»

(عزیز الیاسی پور)

آرایه‌های بیت صورت سؤال: تشبیهات: «مرغ دلم»، «گلستان عشق»، «مرغ دلم مثل تذرو شد»، «[تو] مانند لاله شوی» و «[تو] مانند ریحان شوی» / ایهام تناسب در واژه «بو» که در معنای آرزو آمده است و معنای ثانویه آن (رایحه) با لاله و ریحان تناسب دارد.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان و بدیع، ترکیبی)

## ۴۲- گزینه «۳»

(کاظم کاظمی)

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و ابیات مرتبط: هراس‌انگیز دانستن هیبت ممدوح در هنگام پیکار و کارزار با بیان اغراق‌آمیز و مفهوم بیت گزینه «۳»: سامان‌یافتن امور مملکت با پیکار و مبارزه ممدوح

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۸۸)

## ۴۳- گزینه «۲»

(هومن نمازی)

ابیات «الف و ب» هر دو به این مفهوم تأکید دارند که تا وقتی دل آدمی از بدی‌ها پاک نشود، اثری از نور الهی در آن پیدا نخواهد شد.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۷۵)

## ۴۴- گزینه «۱»

(سعید هعفری)

سعدی در این بیت می‌گوید من مانند شبمنی در برابر آفتاب بی‌ارزش بودم و عشق تو سبب شد از ستاره عیوق هم بگذرم و به کمال برسم.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۲»: فقط عشق فناپذیر و جاودان است و باقی چیزها فانی است.

گزینه «۳»: عشق شیرین از جانم ارزشمندتر است.

گزینه «۴»: توصیف لطافت معشوق

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۹۲)

## ۴۵- گزینه «۳»

(سعید هعفری)

هر دو بیت اشاره به آن دارند که سخنور به کلک و شعر خود می‌بالد و آن را روشنی‌بخش جهان می‌داند. البته صائب در مصراع دوم بیت «الف» می‌گوید بخت من تیره است، اما در مصراع اول همین بیت کلک (قلم و سخن) خود را چراغ بزم عالم می‌داند.

**تشریح سایر ابیات:**

بیت «ب»: حافظ به مخاطب (معشوق یا ممدوح) خود می‌گوید گوهرهای ناسفته‌ای که من داشتم به اصلاح شما در شعرم نظم می‌گرفت. گوهر «سفته» به معنای جواهر سوراخ‌شده‌ای است که آماده استفاده زینتی است.

بیت «د»: بیت در توصیف سرگردانی و پریشانی است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، مفهوم، صفحه ۷۷)

**علوم و فنون ادبی (۳) - اختیاری**

## ۴۶- گزینه «۲»

(عزیز الیاسی پور)

**تشریح موارد نادرست:**

ب) در این دوره توجه به داستان بلند بیشتر بود.

ج) اندیشه حاکم بر داستان‌های دهه اول پس از پیروزی انقلاب ابتدا سیاسی است و بعد اجتماعی.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۰۰ تا ۱۰۲)

## ۴۷- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمانه‌ای)

«معنی‌گرایی» از ویژگی‌های ادبی و «آزادی در انتخاب موضوع شعر» از ویژگی‌های فکری شعر معاصر است.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۲»: ابهام و نمادگرایی، هر دو از ویژگی‌های ادبی شعر این دوره‌اند.  
گزینه «۳»: سادگی جملات ← ویژگی زبانی / قالب‌های نیمایی و سپید ← ویژگی ادبی

گزینه «۴»: صور خیال جدید ← ویژگی ادبی / واژگان جدید ← ویژگی زبانی (علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۹۶ و ۹۷)

## ۴۸- گزینه «۳»

(مسن اصغری)

این بیت، مربوط به ادبیات معاصر است و شاعر مانند دوره‌های آغازین شعر فارسی، در مورد معشوق زمینی سخن گفته است. بیت از هوشنگ ابتهاج است.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: شاعر در این بیت، به مفاهیم و مضامین اسلامی و دینی توجه دارد. بیت از سید علی موسوی گرمارودی است.

گزینه «۲»: باستان‌گرایی (استفاده از «را» در معنای «به» و گرایش به استفاده از واژه‌های کهن مانند بیهشانه، خامشی و مانی) در زبان شعر محسوس است.

گزینه «۴»: زبان و واژگان شعری مانند «گرزه» در این بیت، به سبک خراسانی نزدیک است. این بیت هم از موسوی گرمارودی است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۹۷، ۹۹ و ۱۰۰)

## ۴۹- گزینه «۳»

(سیدعلیرضا احمدی)

در گزینه «۳»، وزن بیت، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است که رکن آخر محذوف می‌باشد و نام این وزن، «رمل مثنی محذوف» است.

سایر گزینه‌ها به‌درستی نام‌گذاری شده‌اند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۷ و ۱۰۸)

## ۵۰- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا احمدی)

«مستفعلن» وجود ندارد.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: در رکن اول مصراع سوم و رکن دوم مصراع چهارم با ابدالی که صورت گرفته است، وزن‌واژه «فاعلاتن» تبدیل به «مفعولن» شده است.

گزینه «۲»: در رکن پایانی مصراع‌های اول، دوم و پنجم این وزن‌واژه دیده می‌شود.

گزینه «۳»: در ابتدای بندهای دوم، سوم و چهارم فاعلاتن وجود دارد.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۳ تا ۱۰۶)

## ۵۱- گزینه «۳»

(سیدعلیرضا احمدی)

وزن شعر گزینه «۳»، «مفعول فاعلاتن فاعیل فاعلن» است.

**تشریح سایر ابیات:**

گزینه «۱»: شعر بر وزن «فاعلاتن» سروده شده است که در آن، از اختیار زبانی (حذف همزه و ...) و اختیار وزنی (آوردن فاعلاتن به جای فاعلاتن و ...) استفاده شده است.

گزینه «۲»: تکرار وزن‌واژه «فاعلاتن»

گزینه «۴»: وزن‌واژه همسان «فاعلاتن» و متفرعات آن.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۴ تا ۱۰۶)

## ۵۲- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا احمدی)

وزن درست در گزینه «۴»: مستفعل مستفعل مستفعل مستفعل

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

## ۵۳- گزینه «۴»

(سیدعلیرضا احمدی)

**وزن صحیح مصراع‌ها:**

(ب) مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن

(د) فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، ترکیبی)

## ۵۴- گزینه «۳»

(مسن اصغری)

«هجو» در ابیات، مقابل «مدح» است؛ و در واقع ابیاتی طنزآمیز و گزنده برای برشمردن عیب کسی می‌باشد.

در همه ابیات به‌جز بیت گزینه «۳» بیانی طنزآمیز و بدگویی و نکوهش و ویژگی‌های انسانی مشهود است.

اما در بیت گزینه «۳» شاعر مخاطب را مورد ستایش قرار می‌دهد. (مدح است).

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: در نکوهش قد بلند و دراز مخاطب بیان شده است.

گزینه «۲»: این بیت بیانگر بخل و خساست مخاطب همراه با انتقاد و سرزنش است.

گزینه «۴»: شاعر ریش بلند و قد کوتاه مخاطب را مورد نکوهش و تمسخر قرار داده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۹۷)

## ۵۵- گزینه «۴»

(هومن نمازی)

صورت سؤال و گزینه «۴» راجع به منتظر دیدار بودن سخن می‌گویند.

شاعر در گزینه «۱» معتقد است انتظار کشیدن کار بی‌هوده‌ای است و در بیت گزینه «۲» می‌گوید دیگر انتظار نمی‌کشم؛ همچنین در گزینه «۳»

شاعر معتقد است مردن بهتر از انتظار کشیدن است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۱۰۶)

## جامعه‌شناسی (۳)

## ۵۶- گزینه «۴»

(ریاضه امینی)

## تشریح موارد:

- مدرک دیپلم یا فوق دیپلم: نابرابری اجتماعی
- زن یا مرد بودن: تفاوت اسمی
- قد کوتاه یا قدبلند بودن: نابرابری طبیعی
- سیاه یا سفیدپوست بودن: تفاوت اسمی
- خانواده اشرفی یا معمولی: نابرابری اجتماعی

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه ۷۲)

## ۵۷- گزینه «۲»

(آزیتا بیرقی)

رویکرد اول (طرفداران قشربندی):

- تأکید آنان بر کارکردهای قشربندی اجتماعی است.
- نقش انسان‌ها و جوامع در پدید آمدن و ادامه یافتن قشربندی اجتماعی را نادیده می‌گیرند.
- رقابت را ضروری می‌دانند.
- چنین می‌پندارند که نابرابری‌های اجتماعی، پیامد تفاوت‌ها یا نابرابری‌های طبیعی هستند.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه ۷۵)

## ۵۸- گزینه «۳»

(کوثر شاه‌سینینی)

## تشریح عبارت نادرست:

طرفداران قشربندی اجتماعی چنین می‌پندارند که نابرابری‌های اجتماعی نتیجه تفاوت‌ها یا نابرابری‌های طبیعی هستند، بنابراین عادلانه‌اند.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه ۷۶)

## ۵۹- گزینه «۲»

(فاطمه صفری)

- مدل لیبرالی، اجرای عدالت را به‌دست نامرئی بازار می‌سپارد و همچنین این رویکرد معتقد است نقش‌های عالی رتبه، نقش‌های پرمستولیتی هستند که برای بقای جامعه مهم‌ترند و به بیش‌ترین توانایی و استعداد نیاز دارند.
- در مدل عدالت اجتماعی، دولت به نمایندگی از جامعه موظف است، نیازهای ضروری همه افراد را تأمین کند.
- در رویکرد دوم (مدل کمونیستی) نقطه پایان رقابت، عادلانه نیست.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۴، ۷۷ و ۷۸)

## ۶۰- گزینه «۴»

(مهرشار ایمانی‌نسب)

جامعه‌شناسان انتقادی، صرفاً آرمان‌ها و ارزش‌ها را توصیف نمی‌کنند بلکه به داوری ارزشی آن‌ها پرداخته و برای عبور از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب، راهکارهایی را ارائه می‌دهند.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۷۹ تا ۸۲)

## ۶۱- گزینه «۴»

(کوثر شاه‌سینینی)

## تشریح عبارت نادرست:

با غلبه رویکرد تفسیری، رویکرد تبیینی به حاشیه رفت و راه بازگشت دعاوی انتقادی و تجویزی به علوم اجتماعی باز شد.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه‌های ۸۰ و ۸۱)

## ۶۲- گزینه «۲»

(هسبیه مهبی)

- جامعه‌شناسان انتقادی، بر ضرورت انتقاد علمی از ساختارهای سرکوبگر، تأکید می‌کنند؛ همچنین به نقد سلطه در روابط و مناسبات میان افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها می‌پردازند.
- جامعه‌شناسان انتقادی، همانند جامعه‌شناسان تفسیری، بر توانایی و خلاقیت افراد در ساختن جهان اجتماعی تأکید می‌کنند.

(جامعه‌شناسی (۳)، نابرابری اجتماعی، صفحه ۸۲)

## ۶۳- گزینه «۳»

(آرش مرتضائی‌فر)

مدل رایج سیاست‌گذاری در دوره مدرن، «هماندسازی» بود.

- هماندسازی به‌معنای پذیرش ارزش‌ها و سبک زندگی یک گروه توسط سایر گروه‌های جامعه است.

- هماندسازی، سیاستی بود که دولت‌ها برای از بین بردن تفاوت‌های هویتی گروه‌های مختلف و یکسان‌سازی آن‌ها در پیش گرفتند.

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۱۷ و ۱۸)

## ۶۴- گزینه «۳»

(فاطمه صفری)

## بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: درست - نادرست (هویت، محور اصلی مباحثات فکری و سیاسی شد). - درست

گزینه «۲»: درست - درست - نادرست (هویت و دانش در کنار ثروت و قدرت، کانون نزاع و کشمکش می‌شوند).

گزینه «۴»: درست - نادرست (در مدل تکثرگرا، گسترش برابری و رفع تبعیض‌های قومی و گروهی در بعد اجتماعی هویت، مورد توجه قرار می‌گیرد). - درست

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۸۹ و ۹۰)

## ۶۵- گزینه «۱»

(صبیه مبین)

الف) تعارف به معنای شناخت متقابل است و در مقابل الگوی تنازع قرار دارد.

ب و ج) سیاست هویت دو چهره دارد: یا به صورت افراطی بر تفاوتها و گوناگونیها تأکید می‌کند و سبب چندپارگی سیاسی و فرهنگی درون جوامع می‌شود (سازمان همبسته کوکلاس کلان و پشتیبانی از برتری نژاد سفید) و یا گروه‌های به حاشیه رانده شده را به رسمیت می‌شناسد و از آنان حمایت می‌کند. (جشن سال نوبی چینی با نمایش‌ها و تزیین‌هایش، فقط رویدادی نمایشی نیست که هر ساله در آمریکا برگزار می‌شود؛ بلکه نماد تداوم و پیوستگی فرهنگی چینی‌ها در آمریکاست.)

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه ۹۱)

## جامعه‌شناسی (۳) - اختیاری

## ۶۶- گزینه «۴»

(ریانه امینی)

## تشریح عبارات:

- شناخت متقابل افراد و جوامع از یکدیگر، هم به آن‌ها کمک می‌کند که تفاوت‌های همدیگر را درک کنند و به این تفاوت‌ها احترام بگذارند و هم اشتراکاتی را ایجاد می‌کند که به بهتر شدن روابطشان منجر می‌شود.

- تعارف به معنای شناخت متقابل است.

- رشد و شکوفایی جهان اسلام از قرن سوم و چهارم هجری، به دلیل پیروی از الگوی تعارف و احترامی بود که اقوام مختلف در جهان اسلام برای یکدیگر قائل بودند.

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

## ۶۷- گزینه «۱»

(مهرشاد ایمانی نسب)

## تشریح عبارت نادرست:

گاهی تأکید بر تنوع و تکثر هویت‌ها و اصالت بخشیدن به آن، به معنای انکار اشتراک و وحدت انسان‌هاست و فرصت گفت‌وگو و معارفه انسان‌ها و فرهنگ‌ها را از بین می‌برد.

(جامعه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه ۹۴)

## ۶۸- گزینه «۱»

(آزیتا بیرقی)

گزینه «۱»: «نادرست (علم به نفس، علم توحید و علم به مبدء و معاد از نافع‌ترین علوم شمرده شده‌اند). - درست

گزینه «۲»: «درست - درست

گزینه «۳»: «نادرست (علوم ابزاری نیازهای روزمره جامعه اسلامی را برطرف می‌کنند) - نادرست (علوم نافع نه به علوم ابزاری و نه به علوم عقلانی و وحیانی محدود نمی‌شود).

گزینه «۴»: «درست - درست

(جامعه‌شناسی (۳)، پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه‌های ۹۱ و ۹۹)

## ۶۹- گزینه «۳»

(صبیه مبین)

## تشریح عبارات نادرست:

- فارابی جوامعی را که از علوم عقلی بی‌بهره‌اند، «مدینه جاهله» نامیده است.

- فارابی در علم مدنی به «تبیین»، یعنی علت‌یابی واقعیت‌های اجتماعی و بررسی تغییرات و تحولات آن‌ها می‌پردازد.

- مدینه فاسقه جامعه‌ای است که در اثر انحراف عملی از مدینه فاضله به وجود می‌آید.

(جامعه‌شناسی (۳)، پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه‌های ۱۰۲ و ۱۰۳)

## ۷۰- گزینه «۴»

(مهرشاد ایمانی نسب)

عقل انتقادی: عقلی است که برای ارزیابی و داوری درباره مناسبات و ارتباطات انسانی به کار می‌رود؛ مثلاً وضعیت ارزش‌های عدالت و آزادی را در روابط انسانی ارزیابی می‌کند.

عقل ابزاری (تجربی): اصل انقباض و انبساط فلزات در علوم طبیعی و عوامل مهاجرت در جمعیت‌شناسی و ... به کمک این عقل درک می‌شوند.

عقل تفسیری: برای فهم و تفسیر پدیده‌های معنادار مانند کنش انسان‌ها، گفتار و متن به کار می‌رود. برای مثال معنای برخاستن یک فرد در جمع با کمک این عقل فهمیده می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۳)، پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام، صفحه‌های ۱۰۶ و ۱۰۷)

## جامعه‌شناسی (۱)

## ۷۱- گزینه «۳»

(کتاب آبی پیمان‌های)

- کودتای نظامی در الجزایر، مانع از اجرای نتایج انتخابات شد.

- صرفاً تغییرات هویتی افراد در خارج از مرزهای مقبول فرهنگی جامعه به تعارض فرهنگی می‌انجامد، نه هر تغییر هویتی.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۸۶ و ۸۷)

## ۷۲- گزینه «۲»

(سیرمهم‌مدنی ریثانی)

- بحران هویت زمانی به وجود می‌آید که جهان اجتماعی، توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزش‌های اجتماعی خود را نداشته باشد.

- در تحول فرهنگی، تغییرات اجتماعی از محدوده تغییرات درونی فراتر می‌روند.

- در تزلزل فرهنگی، عقاید و آرمان‌ها ثبات و استقرارشان را از دست می‌دهند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

## ۷۳- گزینه «۳»

(سیرمشمردنی دینانی)

جهان اجتماعی که متناسب با نیازهای روحی و معنوی افراد عمل نکند، به پوچ‌انگاری برسد و به پرسش‌های آن‌ها درباره معنای زندگی و مرگ پاسخ ندهد، یا از آن‌ها غفلت کند، نشاط زندگی را از دست می‌دهد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۹۳)

## ۷۴- گزینه «۳»

(کوثر شاه‌سینی)

جهان اسلام در سده‌های نخستین رویارویی با جهان‌های اجتماعی دیگر، با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آن‌ها پرداخت و به همین دلیل، عناصر سازگار با هویت خود را از آن‌ها گرفت و در موارد مورد نیاز، به بازسازی آن عناصر پرداخت.

غرب‌زدگی جوامع غیرغربی مهم‌ترین مانع تعامل آن‌ها با جهان غرب است.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۹۷ و ۹۹)

## ۷۵- گزینه «۲»

(کوثر شاه‌سینی)

اگر عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی، مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جهان دچار از خود بیگانگی حقیقی (فطری) می‌شود.

نه تنها افراد، بلکه جهان‌های اجتماعی نیز ممکن است دچار از خودبیگانگی شوند که به آن «از خودبیگانگی فرهنگی» گفته می‌شود.

اگر جهان اجتماعی، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار از خودبیگانگی تاریخی می‌شود. جوامع خودباخته‌ای که در مواجهه با فرهنگ دیگر، هویت خود را از یاد می‌برند، به این معنای از خودبیگانگی گرفتار می‌شوند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۱۰۰ و ۱۰۱)

## جامعه‌شناسی (۲)

## ۷۶- گزینه «۲»

(کتاب آبی پیمان‌ای)

نظریه «جنگ تمدن‌ها» که ساموئل هانتینگتون آن را مطرح کرد، نظریه‌ای بود که عملیات نظامی قدرت‌های غربی در مقابله با مقاومت‌های کشورهای غیرغربی را توجیه می‌کرد.

از مهم‌ترین عوامل وقوع این دو جنگ، رقابت کشورهای اروپایی بر سر مناطق استعماری بود.

آگوست کنت، جامعه‌شناس فرانسوی، معتقد بود که فاتحان در گذشته تاریخ، با غنایم جنگی بر ثروت خود می‌افزودند، ولی با رشد علم تجربی و صنعت، ثروت از طریق غلبه بر طبیعت به دست می‌آید. به همین دلیل بعد از انقلاب صنعتی، جنگ از زندگی بشر رخت بر می‌بندد.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های یوانی، صفحه‌های ۸۳ تا ۸۶)

## ۷۷- گزینه «۳»

(ریحانه امینی)

## تشریح مورد نادرست:

- آسیب‌های مربوط به فقر و غنا همواره متوجه قشرهای فقیر و ضعیف جامعه است، ولی آسیب‌های مربوط به بحران اقتصادی تمامی جامعه را در بر می‌گیرد.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های یوانی، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)

## ۷۸- گزینه «۲»

(ریحانه امینی)

## تشریح موارد نادرست:

- کشورها در ایجاد بحران سهم یکسانی ندارند، اما همه از پیامدهای نامطلوب آن‌ها متأثر می‌شوند.

- اولین بحران اقتصادی در سال ۱۸۲۰ م در انگلستان به وجود آمد.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های یوانی، صفحه‌های ۹۱، ۹۲ و ۹۵)

## ۷۹- گزینه «۲»

(فاطمه صفری)

در فرهنگ قرون وسطی، کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا معتبرترین راه شناخت جهان بود و شناخت از راه عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شد.

در دوران رنسانس، این روش معرفتی مورد تردید قرار گرفت و به تدریج به بحران معرفتی انجامید. جهان غرب برای برون‌رفت از این بحران، وحی و شهود را در شناخت علمی نادیده گرفت و به شناخت از راه عقل و تجربه بسنده کرد.

فرهنگ غرب با انکار حقایق قدسی، نه تنها به آرمان‌های انقلاب فرانسه نرسید بلکه با اصالت بخشیدن به انسان دنیوی در قرن بیستم به پوچ‌گرایی، یأس و ناامیدی و مرگ آرمان‌ها و امیدها انجامید.

در نیمه اول قرن بیستم، با روشن شدن محدودیت‌های علم تجربی، علم از داورهای ارزشی دست برداشت و به امور طبیعی محدود شد.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های یوانی، صفحه‌های ۹۹ و ۱۰۱)

## ۸۰- گزینه «۲»

(فاطمه صفری)

## بررسی موارد نادرست:

(الف) ابتدا چالش‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... رخ می‌دهند و سپس چالش‌ها و بحران‌های معرفتی، معنوی، اخلاقی، عاطفی و ... ظاهر می‌شوند.

(ج) تردید در روشنگری به منزله تردید در هویت معرفت‌شناختی جهان مدرن بود.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالاش‌های یوانی، صفحه‌های ۹۸، ۱۰۰ تا ۱۰۲)

## روان‌شناسی

## ۸۱- گزینه «۳»

(مهسا عفتی)

انگیزه افراد از نظر شدت می‌تواند با یکدیگر متفاوت باشد، افراد مختلف در انجام یک کار ممکن است که میزان انگیزه متفاوتی را از خود نشان دهند.

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه‌های ۱۶۲)

## ۸۲- گزینه «۲»

(همیرضا توکلی)

## تشریح گزینه‌ها:

گزینه «۱»: منابع انگیزشی هم درون و هم بیرون فرد قرار دارند.

گزینه «۲»: رفتار انسان برای تحقق، محتاج انگیزه است.

گزینه «۳»: انگیزه‌های او ممکن است به تعویق افتند.

گزینه «۴»: انگیزه اشاره به چرایی رفتار دارد.

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه‌های ۱۶۰ تا ۱۶۳)

## ۸۳- گزینه «۲»

(مهروی باهری)

زمانی که فردی کاری را انجام دهد «تا» به هدف دیگری برسد انگیزه او بیرونی است. مانند هانیه که کنکور شرکت می‌کند «تا» اصرار خانواده را مدیریت کند یا محدثه که کنکور تیرماه را شرکت می‌کند «تا» بتواند مشاور کنکور شود. بالعکس زمانی که علت انجام کاری خود آن کار باشد (به مانند سعید) انگیزه فرد، درونی است. (برای کار سعید یک عامل خارجی ذکر نشده است.)

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه ۱۶۳)

## ۸۴- گزینه «۳»

(همیرضا توکلی)

نظام باورها و ارزش‌های فرد به صورت مثبت و منفی در نگرش ما نقش دارند. اسناد نیز یکی از عوامل نگرشی است که می‌تواند نقش مثبت و منفی در نظام نگرشی ما ایجاد کند، اما درماندگی آموخته شده تنها، نقش منفی در نگرش ما دارد.

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه‌های ۱۶۵ و ۱۷۳ تا ۱۷۹)

## ۸۵- گزینه «۳»

(مهروی باهری)

زمانی که علت پدیده‌ای را درون خود جست‌وجو کنیم اسناد ما درونی است (مانند حمید و رضا) و زمانی که علت را بیرون از خود جست‌وجو کنیم اسناد بیرونی است (مانند سعیده). از زاویه‌ای دیگر زمانی که اسناد ما ناظر به دلایلی باشد که تغییر نمی‌کنند، مانند سبز بودن دست، اسناد ما به عوامل پایدار و زمانی که اسناد ما ناظر به دلایلی باشد که تغییر پذیرند، مثلاً کیفیت گلدانی که گل‌فروشی می‌آورد یا توجه کردن یا نکردن به گیاهان، اسناد ما ناپایدار است.

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه‌های ۱۷۳ تا ۱۷۶)

## ۸۶- گزینه «۴»

(مهروی باهری)

در حالت درماندگی آموخته‌شده فرد ارتباطی میان رفتار خود و پیامد رفتار احساس نمی‌کند. یعنی باور دارد چه رفتار را انجام دهد چه انجام ندهد تغییری در زندگی او ایجاد نمی‌شود. برای مثال زمانی که رژیم می‌گیرد، وزن او تغییری نمی‌کند (زیاد یا کم نمی‌شود). یا زمانی که به اندازه می‌خوابد، کمبود خواب او تغییری نمی‌کند. (زیاد یا کم نمی‌شود.)

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه‌های ۱۷۶ تا ۱۷۹)

## ۸۷- گزینه «۱»

(مهمربه بیبی)

در این شعر، شاعر به معشوق خود ابراز علاقه می‌کند، در حالی که در عمل او را ترک می‌کند. در روان‌شناسی به این حالت که رفتار و باور فرد هماهنگ نباشد، ناهماهنگی شناختی می‌گویند.

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه‌های ۱۶۹ تا ۱۷۲)

## ۸۸- گزینه «۴»

(همیرضا توکلی)

هر نگرش دارای یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و یک عنصر آمادگی برای عمل است. که موارد صورت سؤال به ترتیب نشان دهنده عناصر شناختی، احساسی و آمادگی برای عمل هستند.

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه ۱۷۲)

## ۸۹- گزینه «۴»

(مهمربه بیبی)

عوامل زیستی شکل دهنده رفتار انسان را انگیزه می‌نامند. از آنجایی که نرگس از مانتوی خرید شده تعریف می‌کند، پس او دچار ناهماهنگی پس از تصمیم شده است. مدیر جدید با اقدامات خود می‌خواهد محیط را تحت کنترل بگیرد. و این مربوط به ادراک کنترل می‌شود. مربی بین اقدامات خود و پیشرفت تیم رابطه‌ای نمی‌بیند، فلذا استعفا می‌دهد. استعفا او اشاره به درماندگی آموخته شده دارد.

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، ترکیبی)

## ۹۰- گزینه «۲»

(مهمربه بیبی)

رفتار و باور محمد با یکدیگر هماهنگی دارد. او خاله‌اش را که به آن وقت بیشتری اختصاص داده (رفتار)، بیشتر دوست دارد (باور).

(روان‌شناسی، انگیزه و نگرش، صفحه‌های ۱۶۹ تا ۱۷۲)

## عربی زبان قرآن (۳) و (۲)

## ۹۱- گزینه «۳»

(امیرهمین شکوری)

«كُلُّ وَعَاءٍ»: هر ظرفی (در گزینه‌های «۱ و ۴» کلمه «گنجایش» اضافه است.) / «يَضِيقُ»: تنگ می‌شود / «بِمَا»: با آنچه، به وسیله آنچه / «جُعِلَ»: قرار داده شده است، نهاده شده است (فعل ماضی مجهول است.) (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «إِلَّا»: جز، مگر / «وَعَاءٌ»: ظرف (رد گزینه ۴) / «فَأْتَتْ»: زیرا آن، چراکه آن (در گزینه «۴» ترجمه نشده است.) / «يَتَسَّخَّعُ»: گسترش می‌یابد، فراخ می‌شود (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

(ترجمه)

## ۹۲- گزینه «۴»

(هسین رضائی)

«لَمْ يَلْتَمِثْ»: توجه نکرد، توجه نکرده است (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «شَابٌ كَذَّابٌ»: جوان بسیار دروغگویی (رد گزینه ۳) / «تَظَاهَرَ بِالْعَرَقِ»: جمله وصفیه با معنای ماضی بعید یا ساده: وانمود به غرق شدن کرد (کرده بود) (رد گزینه ۲) / «مُرَافِقِي» (مرافقین): همراهان (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

به ساختار زیر در عبارت دقت کنید:

«شَابٌ (نکره) ... الشَّابُّ (ال دار): جوانی ... آن (این) جوان

(ترجمه)

## ۹۳- گزینه «۴»

(ولی بربری - ابور)

«لَمْ تُجْلِسْهَا»: او را نشاندی (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «وَأَنْتَ تَعْلَمُ»: (فعل در جمله حالیه مضارع است و فعل جمله قبلی، به صورت ماضی آمده است، پس فعل مضارع در جمله حالیه، به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود): در حالی که تو می‌دانستی (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «أَنْ»: که (رد گزینه ۲) / «يَكْرَهُ»: ناپسند می‌دارد

(ترجمه)

## ۹۴- گزینه «۳»

(روح‌الله گلشن)

«لَنْ يَنَالَ ... إِلَّا ...»: دست نخواهند یافت (نخواهند رسید) مگر (جز) ... فقط (تنها) ... دست خواهند یافت (خواهند رسید) (فعل مستقبل است نه مضارع) (رد گزینه ۲)، ضمناً جایگاه ترجمه «فقط (تنها)» در گزینه «۴» مناسب نیست. (رد گزینه ۴) / «الحياة»: زندگی (ضمیر متصل ندارد.) (رد گزینه ۱) / «همواره» در گزینه «۴» اضافی است. (رد گزینه ۴)

(ترجمه)

## ۹۵- گزینه «۳»

(هر تفسی کاظم شیروزی)

«رَأَيْتُ»: دیدم (رد گزینه ۲) / «عَجُوزاً مَسْكِيناً»: پیرمردی بیچاره، پیرمرد بیچاره‌ای، یک پیرمرد بیچاره (رد گزینه ۴) / «يَطْلُبُ»: (ماضی + مضارع ← ماضی استمراری فارسی) طلب می‌کرد، می‌خواست (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «وَلَكِنْ»: ولی / «لَمْ يُسَاعِدْ»: کمک نکردند (رد گزینه ۲) / «المارة»: رهگذران، عابران (رد گزینه ۲) / «لَمْ تَكُنْ»: نبود / «المرة الأولى»: بار اول، اولین بار

(ترجمه)

## ۹۶- گزینه «۲»

(هسین رضائی)

## ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «اعتماد فرزندان به دست نخواهد آمد، مگر این که مادر به آنچه می‌گوید، عمل کند!

گزینه «۳»: «بخشش، باعث کاهش هر چیزی به جز دانش می‌شود!

گزینه «۴»: «چیزهای فراوان به جز ادب، ارزان هستند!

(ترجمه)

## ۹۷- گزینه «۲»

(علی رسولی)

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «كَادَ»: (فعل ماضی است) نزدیک بود

گزینه «۲»: «يَفْرَحُ»: لازم است نه متعدی، پس فقط فاعل می‌گیرد، نه مفعول؛ «ففرء» هم فاعل است نه مفعول (... عیدی که فقیران در آن شاد می‌شوند!)

گزینه «۴»: «حَتَّى نَنْتَفِعَ»: (فعل مضارع است) تا سود ببریم

(ترجمه)

## ۹۸- گزینه «۲»

(پیروز وغان - گنبد)

«در نمایشگاه کتاب»: فی معرض الكتاب / «دیدم»: شاهدت، رأيت / «دانشجویی را که فارغ‌التحصیل شده بود»: طالباً تخرّج، طالبة تخرّجت (ماضی + جمله وصفیه ماضی ← ماضی بعید یا ساده) (رد سایر گزینه‌ها)؛ گزینه‌های «۱ و ۴» به خاطر مضارع بودن جمله وصفیه و گزینه «۳» به خاطر عدم مطابقت فعل «تخرّج» از نظر جنس با «طالبة»، نادرست‌اند. / «سال قبل»: فی العام الماضي، فی السنة الماضية / «از دانشگاه ما»: من جامعتنا (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

## ترجمه متن درک مطلب:

رابطه برادرانه، رابطه‌ای است که با هیچ رابطه دیگری قابل مقایسه نیست. هیچکس در دنیا ممکن نیست که مانند برادر تو باشد. برادر کسی است که ممکن است مانند ستون فقرات تو باشد. وقتی احساس ناتوانی می‌کنی به او تکیه می‌کنی و وقتی احساس ضعف می‌کنی، در درون او پنهان می‌شوی و زمانی که امنیت می‌خواهی، زیر بال‌های او حمایت می‌گیری و او کسی است که به تو در زندگی کمک می‌کند!

موسی غیر از برادرش هارون کسی را برنگزید که وزیرش باشد. مشاور امانتدار او کسی است که بر او اعتماد می‌کند و در کار و حالش با او شریک می‌شود، او تنها کسی است که بر حق و خیر یاریش خواهد کرد. و این همان نمونه برادر نیکوکار است که نقش او کمک به تو و یاری تو و نیرو دادن به تو در نیکی و حق می‌باشد. و منزّه است کسی که احساس ما را نسبت به برادر متفاوت قرار داد. ممکن است تو به هرکسی غیر از برادرت احساس حسادت کنی، زیرا برادر تنها کسی است که آرزو می‌کند تو از او بهتر باشی.

۹۹- گزینه «۴» (ممیدرضا قائد امینی - اصفهان)

گزینه نادرست را درباره رابطه برادری مشخص کنید: پاسخ: آن، ما را باز می‌دارد از اینکه برادرمان را در سختی‌ها همراهی کنیم! (نادرست)

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: آن، ما را تشویق به یاری کردن برادرانمان می‌کند. (درست)

گزینه «۲»: هیچ رابطه‌ای در جهان با آن برابری نمی‌کند. (درست)

گزینه «۳»: آن، از بهترین روابط در زندگی به شمار می‌رود. (درست)

(درک مطلب)

۱۰۰- گزینه «۲» (ممیدرضا قائد امینی - اصفهان)

گزینه نامناسب را برای جای خالی مشخص کنید: «برادر، گویی کلید طلایی گشایش است، زیرا او .....»؛ پاسخ: در مشکلات روزگار بر انسان تکیه می‌کند! (نامناسب است)

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: از انسان مراقبت می‌کند و از او در برابر سختی‌ها نگهداری می‌کند!

گزینه «۳»: در مشکلات از انسان محافظت می‌کند!

گزینه «۴»: انسان را از خطراتی که در زندگی با آن روبه‌رو می‌شود، دور می‌کند!

(درک مطلب)

۱۰۱- گزینه «۴» (ممیدرضا قائد امینی - اصفهان)

جواب کدام سؤال در متن نیامده است؟ پاسخ: موسی و وزیرش چگونه زندگی می‌کردند؟ «در متن اشاره‌ای به این موضوع نشده است.»

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: چه زمانی انسان از برادرش، توقع کمک دارد؟ «هنگامی که

انسان احساس ناتوانی و ضعف می‌کند»

گزینه «۲»: چه کسی پشتیبان ما است، هنگامی که احساس ضعف

می‌کنیم؟ «برادرمان»

گزینه «۳»: چه کسی مشاور امانتدار موسی شد؟ «برادرش هارون.»

(درک مطلب)

۱۰۲- گزینه «۳» (ممیدرضا قائد امینی - اصفهان)

در این گزینه، جمع مکسر «أَفْضَلُ» (اسم تفضیل بر وزن: أَفْعَل) به صورت «أَفْضَلُ» (بر وزن: أَفْعَل) صحیح است.

(تلیل صرفی و اعراب)

۱۰۳- گزینه «۲» (ممیدرضا قائد امینی - اصفهان)

در این گزینه، «مُعَاوَنَةُ» (کمک کردن، یاری) مصدر از فعل ثلاثی مزید از باب «مُفَاعَلَةٌ» است و هرگز اسم مفعول نیست.

(تلیل صرفی و اعراب)

۱۰۴- گزینه «۱» (ولی بربری - ابرهر)

در گزینه «۱»، «يَتَفَقَّهُونَ» فعل مضارع باب تَفَعَّلَ است و باید عین الفعل آن فته بگیرد؛ بنابراین «يَتَفَقَّهُونَ» بر وزن «يَتَفَعَّلُونَ» درست است.

(ضبط حرکات)

۱۰۵- گزینه «۳» (عمار تابهش)

«گذرا بودن و بی‌اعتباری دنیا» مفهوم کلی آیات شریفه در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» است، در حالی که گزینه «۳»، به این نکته اشاره دارد که «خداوند ناظر بر اعمال انسان است.»

(مفهوم)

۱۰۶- گزینه «۳» (عمار تابهش)

حرف «ل» در گزینه «۳» معنای تأکید دارد، اما در سایر گزینه‌ها به معنای «برای اینکه، تا اینکه» (از نوع ناصبه) می‌باشد.

ترجمه آیه شریفه در گزینه «۳»: همانا انسان قطعاً در زیان است، مگر کسانی که ایمان آوردند ...!

(قواعد فعل)

۱۰۷- گزینه «۴» (ممید بیگلری)

در گزینه «۴»، «تفایات» اسم نکره است و جمله فعلیه «إِزْدَادَات»، توصیف‌کننده آن می‌باشد. (ترجمه: هر کس زبانه‌هایی را که زیاد شده‌اند، در جای مناسب قرار دهد، در پاکسازی مدرسه یاری می‌رساند!)

تکنه: جمله وصفیه، جمله‌ای است که بعد از اسم نکره و برای توصیف آن می‌آید.



## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: اسم نکره‌ای وجود ندارد.

گزینهٔ «۲»: قبل از فعل «یجی» اسم نکره‌ای نیامده است.

گزینهٔ «۳»: فعل «أن تعجل»، «طعاماً» را توصیف نمی‌کند. (ترجمه: اگر غذایی را بخوری بدون اینکه عجله کنی، از بیماری‌های گوناگون دور می‌شوی!)

(قواعد اسم)

## ۱۰۸- گزینهٔ «۳»

(آیدین مصطفی‌زاده)

در گزینهٔ «۳»، «لام» بر سر یک مصدر (اسم) آمده و از نوع حرف جر است، در نتیجه فعلی معادل مضارع التزامی نداریم؛ ترجمهٔ عبارت: «متن‌های عربی را برای یادگیری زبان قرآن به شکلی بهتر می‌خوانم!»

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «پدران و مادران از فرزندان خواستند تا در کار آن‌ها را کمک کنند!»  
گزینهٔ «۲»: «شکوفه‌ها در فصل بهار باز می‌شوند تا اینکه بوی خوششان را استشمام کنیم!»

گزینهٔ «۴»: «باید به ورزشگاه برویم زیرا تیم ما به تشویقمان نیاز دارد!»

(قواعد فعل)

## ۱۰۹- گزینهٔ «۴»

(معمور باذریین - یاسوج)

در گزینهٔ «۴»، «درساً» مستثنی‌منه است، اما در سایر گزینه‌ها مستثنی‌منه حذف شده است.

(اسلوب استثناء)

## ۱۱۰- گزینهٔ «۴»

(پیروز و بان - کنبد)

در گزینهٔ «۴»، «الشّیاء» فاعل است که بعد از «إلّا» آمده است، از طرفی مستثنی‌منه هم در جمله وجود ندارد، پس «الشّیاء» همراه با لفظ «فقط»، تنها ترجمه می‌شود.

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «أستاذ» مفعول است.

گزینهٔ «۲»: «الجمال» مفعول است.

گزینهٔ «۳»: «الفائز» نائب فاعل (برای فعل مجهول «لا یعطی») است.

(اسلوب استثناء)

## عربی زبان قرآن (۳) - اختیاری

## ۱۱۱- گزینهٔ «۱»

(امسان کلاته عربی)

«نزلنا»: فروفروستادیم (رد گزینهٔ ۳) / «تنزیلاً»: (مفعول مطلق تأکیدی) قطعاً (رد سایر گزینه‌ها)

(ترجمه)

## ۱۱۲- گزینهٔ «۲»

(کاتم غلامی)

«الفلاحون الخبراء»: کشاورزان خبره (آگاه) (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «معتقدون»: معتقد هستند (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «اختلال توازن الطبیعة»: به هم خوردن تعادل طبیعت (رد سایر گزینه‌ها) / «من أهمّ أسباب»: از مهم‌ترین دلایل (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «یکون»: می‌باشد، است (رد گزینهٔ ۱)

(ترجمه)

## ۱۱۳- گزینهٔ «۳»

(کاتم غلامی)

«الغازات الملوّنة آلتی»: گازهای آلوده‌کننده‌ای که (ترکیب وصفی است) (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «تنتج المصافی»: پالایشگاه‌ها تولید می‌کنند (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «المواطنین الكثيرین و النباتات»: هموطنان بسیار و گیاهان («لکثیرین» تنها صفت برای «المواطنین» است) (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «أن نحدّد»: محدود سازیم (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «تصنع»: ساخته می‌شوند (رد گزینهٔ ۱)

(ترجمه)

## ۱۱۴- گزینهٔ «۲»

(علی رسولی)

هنگامی که پیش از «إلّا» جملهٔ منفی آمده است و مستثنی‌منه ذکر نشده باشد، می‌توانیم عبارت را به صورت مثبت و مؤکد ترجمه کنیم. توجه داشته باشید که در این حالت، لفظ «تنها» یا «فقط» به جای «إلّا» می‌نشیند و اسم پس از آن بدون فاصله می‌آید.

ترجمهٔ صحیح عبارت: فقط یک دانش‌آموز در مسابقهٔ علمی شرکت کرد!

(ترجمه)

## ۱۱۵- گزینهٔ «۱»

(سیر ممدعلی مرتضوی)

«نوعی از ماهی‌ها وجود دارد»: هناك نوع من الأسماك، يوجد نوع من الأسماك (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «مانند موجودات زنده نیاز ندارد»: لا يحتاج ... إحتیاج الأحياء (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «آب و غذا و هوا»: الماء والطعام والهواء (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

(ترجمه)

## ۱۱۶- گزینهٔ «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «مفعول مطلق لیبان نوع الفعل» نادرست است. «تصحیحاً» مفعول مطلق تأکیدی است.

گزینهٔ «۲»: «مجرد ثلاثی» نادرست است؛ فعل مزید ثلاثی از باب مفاعلة است.

گزینهٔ «۳»: «ماضیه: تصحّح / نائب فاعله ضمیر» نادرست است. ماضی آن «صحّح» و نائب فاعلش «الأخطاء» است.

(تملیل صرفی و اعراب)

## تاریخ (۳)

## ۱۱۷- گزینه ۲»

(ولی برمی - ابهر)

«راجعت» فعل ماضی باب مُفَاعَلَة است و ماضی این باب بر وزن «فَاعَلَ» می‌آید و باید دومین حرف اصلی آن فته بگیرد؛ بنابراین «راجعت» به معنای «مراجعه کردم» صحیح است. هم‌چنین «المُسْتَوْصَف» صحیح است. (فیض حرکات)

## ۱۱۸- گزینه ۳»

(سیر ممبرعلی مرتضوی)

در گزینه ۳، «مشاهدة» مفعول مطلق تأکیدی برای فعل «پشاهد» است.

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «هیچ مصدر مشکوکی برای بررسی وجود ندارد.

گزینه ۲: «إحسان» مفعول (مفعول به) برای فعل «لا ینس» است.

گزینه ۴: «مُسرعاً» حال (قید حالت) است.

(مفعول مطلق)

## ۱۱۹- گزینه ۴»

(هسین رضایی)

در گزینه ۴، «محاولة» مفعول مطلق تأکیدی است و بر فعل خود تأکید می‌کند.

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «مصدر داده‌شده مضاف‌إلیه گرفته است، پس مفعول مطلق نوعی محسوب می‌شود.

گزینه ۲: «مصدر داده‌شده صفت گرفته است، پس مفعول مطلق نوعی محسوب می‌شود.

گزینه ۳: «مساعدة» مفعول (مفعول به) برای فعل «یطلبن» است. (ترجمه: معلم‌ها دخترانی را یاری می‌کنند که از آن‌ها کمکی بخواهند!)

(مفعول مطلق)

## ۱۲۰- گزینه ۳»

(کتاب آبی پیمان‌ای - کنکور ریاضی ۱۴۰۰)

صورت سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن «مفعول مطلق» نیامده باشد. در گزینه ۳ «مفعول مطلق نیامده است؛ «بعیداً» اصلاً مصدر هم‌جنس فعل قبل از خود نیست تا مفعول مطلق باشد. «کثیراً» هم صفت است.

## تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «إكراماً» که مصدر منصوب فعل «أكرمت» است، مفعول مطلق نوعی (بیانی) است؛ چون پس از آن «صفت (بالغاً)» آمده است.

گزینه ۲: «تأديباً» که مصدر منصوب فعل «أذب» است، مفعول مطلق نوعی (بیانی) است؛ چون پس از آن «صفت (جمیلاً)» آمده است.

گزینه ۴: «رغبةً» که مصدر منصوب فعل «رغب» است، مفعول مطلق نوعی (بیانی) است؛ چون پس از آن «صفت (کثیره)» آمده است.

(مفعول مطلق)

## ۱۲۱- گزینه ۳»

(امیرحسین کاروین)

در جنگ جهانی دوم، سربازان شوروی همان‌طور که از غرب روسیه به سمت شرق عقب‌نشینی می‌کردند، در سر راه خود مزارع و آذوقه‌ها را می‌سوزاند تا دشمن نتواند از آن‌ها استفاده کند. با این اوصاف نبرد به داخل روسیه کشیده شد و آلمانی‌ها که نتوانسته بودند تا قبل از زمستان سخت روسیه، به پیروزی برسند، به سبب سرمای شدید و کمبود آذوقه، به شدت ضعیف شده و ادامه نبرد برایشان مشکل شد.

(تاریخ (۳)، جنگ جهانی دوم و جهان پس از آن، صفحه ۱۰۶)

## ۱۲۲- گزینه ۲»

(کنکور قارج از کشور ۹۸)

پس از به زانو درآمدن نازی‌ها، جنگ با ژاپن ادامه یافت. در حالی که نشانه‌های شکست و تسلیم شدن ژاپنی‌ها آشکار شده بود، دولت آمریکا دو شهر هیروشیما و ناگاساکی ژاپن را برای اولین بار در تاریخ، با بمب‌های اتمی ویران کرد. با سقوط برلین و اعلام تسلیم از سوی ژاپن، جنگ جهانی دوم به طور رسمی خاتمه یافت.

(تاریخ (۳)، جنگ جهانی دوم و جهان پس از آن، صفحه‌های ۱۰۸ و ۱۰۹)

## ۱۲۳- گزینه ۴»

(امیرحسین کاروین)

ژاپن، صنعتی‌ترین کشور آسیا، پس از شکست در جنگ جهانی دوم به اشغال آمریکا درآمد. قانون اساسی جدید آن کشور، دموکراسی را تقویت و قدرت سیاسی را از اختیار امپراتور و فرماندهان نظامی خارج کرد و به نمایندگان منتخب ملت سپرد. ژاپنی‌ها نیز با سخت‌کوشی و برنامه‌ریزی دقیق خیلی زود، به موفق‌ترین قدرت پیشرو اقتصادی در جهان تبدیل شدند.

(تاریخ (۳)، جنگ جهانی دوم و جهان پس از آن، صفحه ۱۱۲)

## ۱۲۴- گزینه ۱»

(یوار میریلوکی)

در زمان مظفردالدین‌شاه، امتیاز کشف و استخراج نفت و گاز سراسر ایران به مدت ۶۰ سال به یک سرمایه‌دار انگلیسی به نام ویلیام ناکس داریسی واگذار شد.

(تاریخ (۳)، نهضت ملی شرن صنعت نفت ایران، صفحه‌های ۱۱۳ تا ۱۱۸)

## ۱۲۵- گزینه ۲»

(یوار میریلوکی)

سیاست موازنه منفی، یعنی ایستادگی در برابر امتیازخواهی دولت‌های سلطه‌جو بود و دقیقاً خلاف سیاست موازنه مثبت تلقی می‌شد، که تسلیم شدن در برابر قدرت‌های بزرگ و اعطای امتیاز به آن‌ها را توصیه می‌کرد.

(تاریخ (۳)، نهضت ملی شرن صنعت نفت ایران، صفحه ۱۱۸)

## تاریخ (۳) - اختیاری

## ۱۲۶- گزینه «۳»

(علیرضا رضایی)

برنامه‌های دولت آمریکا مانند پیوستن ایران به پیمان بغداد (سنتو)، تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)، اعطای کمک‌های نظامی و مالی به ایران و اجرای بعضی اصلاحات در کشور ما، علاوه بر حفظ حکومت پهلوی و تداوم سلطه آمریکا، هدف مقابله با نفوذ شوروی در ایران را نیز دنبال می‌کرد.

(تاریخ (۳)، انقلاب اسلامی، صفحه ۱۱۷)

## ۱۲۷- گزینه «۳»

(کنکور سراسری ۱۴۰۱)

با وقوع قیام پانزده خرداد، هدف مبارزه تغییر کرد و سرنگونی رژیم پهلوی هدف نهایی مبارزان شد.

(تاریخ (۳)، انقلاب اسلامی، صفحه ۱۳۰)

## ۱۲۸- گزینه «۴»

(علی‌محمد کریمی)

هیئت‌های مؤتلفه اسلامی پس از تبعید امام خمینی (ره)، مبارزه مسلحانه و ترور سران حکومت پهلوی را محور کار خود قرار داد و حسنعلی منصور، نخست‌وزیر وقت را ترور کرد. پس از این واقعه، بیشتر اعضای این گروه دستگیر و چهار تن از آنان اعدام شدند و برخی هم به حبس‌های طولانی محکوم گردیدند.

(تاریخ (۳)، انقلاب اسلامی، صفحه ۱۳۳)

## ۱۲۹- گزینه «۲»

(میلاد باغ‌شینی)

در چهل‌م شهدای قم، در پی اعتراض به انتشار مقاله توهین‌آمیز نسبت به امام خمینی (ره) در روزنامه اطلاعات، در ۲۹ بهمن سال ۱۳۵۶ مردم تبریز به پاخاستند که این اجتماع نیز با یورش نیروهای حکومت مواجه شد و تعدادی شهید و مجروح شدند.

(تاریخ (۳)، انقلاب اسلامی، صفحه ۱۳۷)

## ۱۳۰- گزینه «۳»

(میلاد هوشیار)

شاه پس از سرکوب تظاهرات دانشجویان و دانش‌آموزان در مقابل دانشگاه تهران (۱۳ آبان ۱۳۵۷)، ارتشبد غلامرضا اژه‌اری را جانشین شریف‌امامی کرد تا وی با برقرار کردن حکومت نظامی از سرعت حرکت انقلاب بکاهد.

(تاریخ (۳)، انقلاب اسلامی، صفحه ۱۳۹)

## تاریخ (۱)

## ۱۳۱- گزینه «۲»

(زهرا رامیار)

مهرداد یکم با تسلط بر مناطق وسیعی در سرتاسر ایران، قدرت و قلمرو حکومت اشکانی را به طور چشمگیری افزایش داد. در دوران فرمانروایی او، سلسله اشکانیان از یک حکومت محلی در شرق فلات ایران به پادشاهی قدرتمندی تبدیل شد.

در زمان مهرداد دوم، فتوحات او وسعت قلمرو اشکانیان را به نهایت خود رساند و پایه‌های قدرت و سلطنت آنان استوار شد. در روزگار او، سفیرانی از سوی چین به ایران آمدند و در پی آن، روابط تجاری میان دو کشور با تکمیل جاده ابریشم توسعه پیدا کرد. در دوران او اشکانیان تا رود فرات پیش رفتند و با امپراتوری روم همسایه شدند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)

## ۱۳۲- گزینه «۲»

(امیرحسین کاروین)

دو کشور ایران و روم در زمان ساسانیان بر سر تسلط بر برخی سرزمین‌های مرزی، به‌ویژه منطقه ارمنستان، با یکدیگر اختلاف و درگیری داشتند.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۹۶)

## ۱۳۳- گزینه «۳»

(بواد میربلوکی)

حکومت اشکانی به‌شکل غیرمتمرکز اداره می‌شد و اداره برخی از سرزمین‌ها و مناطق کشور به‌صورت موروثی در اختیار پادشاهان کوچک و حاکمان محلی بود که تا حدودی در اداره قلمرو خویش استقلال داشتند. شیوه غیرمتمرکز اداره حکومت اشکانیان، شیوه حکومت ملوک‌الطوایفی نامیده شده است.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۹۹ تا ۱۰۲)

## ۱۳۴- گزینه «۱»

(امیرحسین کاروین)

پادشاهان ساسانی به منظور ایجاد تمرکز و افزایش دامنه نظارت و تسلط خود بر مناطق مختلف کشور، از یک سو سپاهی دائمی و نیرومند تشکیل دادند و از سوی دیگر تشکیلات اداری (دیوان‌سالاری) را انسجام و نظم بخشیدند. در نتیجه این اقدام‌ها، از تعداد حکومت‌های موروثی محلی به طور محسوسی کاسته شد و مناطق مختلف کشور به‌ویژه نواحی جنوبی، مرکزی و غربی آن، تحت نظارت و سلطه مستقیم حکومت ساسانی قرار گرفت.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۰۳)

## ۱۳۵- گزینه «۲»

(بواد میربلوکی)

در دوران ساسانیان نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی میان طبقه حاکم، یعنی خاندان ساسانی و اشرافیت سیاسی، نظامی و دینی وابسته به آن از یک سو و توده مردم عادی از سوی دیگر افزایش یافت. طبقه فرادست و حاکم، در مقایسه با گذشته، گسترش چشمگیری یافت و در درون خود دارای مراتب و درجات متفاوت شد.

(تاریخ (۱)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۱۱)

## تاریخ (۲)

## ۱۳۶- گزینه «۳»

(بواد میربلوکی)

در ساختار نظام اداری ایران عصر سلجوقی، خواجه نظام‌الملک در تلاش بود که با تقویت حکومت مرکزی از طریق تقویت و توسعه نظام اداری مدنظر خود که مبتنی بر میراث اداری کهن ایرانی بود، ضمن ایجاد ثبات و استمرار، با نیروی سرکش امیران و نظامیان سلجوقی که به سنت‌های قبیله‌ای خود همچنان وفادار بودند، مقابله کند.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه‌های ۱۰۵ و ۱۰۶)

## ۱۳۷- گزینه «۲»

(بواد میربلوکی)

دوره سلجوقی یکی از دوره‌های مهم هنر اسلامی تلقی می‌شود. گسترش قلمرو، حکومت فراگیر، توسعه شهرنشینی، رشد اقتصادی و حمایت دولتمردان، در شکوفایی هر چه بیشتر هنر و معماری این دوره تأثیر به‌سزایی داشت.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۱۲)

## ۱۳۸- گزینه «۴»

(امیرهمسین کاروین)

بخش عمده‌ای از اصلاحات غازان‌خان، از جمله اصلاح قوانین مالیاتی، بازسازی قنات‌ها و شبکه‌های آبیاری و اصلاح نظام زمین‌داری، به منظور پیشرفت و رونق فعالیت‌های بخش کشاورزی انجام گرفت.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۱۲)

## ۱۳۹- گزینه «۳»

(امیرهمسین کاروین)

قلمرو پهنای که مغول‌ها در بخش وسیعی از آسیا از چین تا دریای مدیترانه فتح کردند، دارای پیشینه فرهنگی و هنری عظیم و پیشرفته‌ای بود. در نتیجه فتوحات مغول، تجارب و سنت‌های هنری و هنرمندان سرزمین‌های فتح شده با یکدیگر پیوند خوردند و زمینه مناسبی برای شکوفایی هنر در دوران ایلخانان و تیموریان فراهم شد.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۲۸)

## ۱۴۰- گزینه «۱»

(کنکور سراسری ۱۴۰۲- نوبت دوم تیرماه)

## بررسی موارد:

الف) در دوران مغول- تیموری، به سبب علاقه‌مندی فرمانروایان به جاودانه ساختن کشورگشایی و موفقیت‌های سیاسی و نظامی خود و خودآگاهی رجال ایرانی، تاریخ‌نگاری بسیار رایج شد.

ب) در این دوره مؤلفان تک‌نگاری به‌صورت متمرکز، تاریخ زندگی فرمانروایان را توصیف می‌کردند.

ج) سرودن منظومه‌های حماسی و تاریخی در دوره مغولان رواج و رونق بسیاری یافت. (درستی مورد «ج»)

د) علاقه‌مندی ایلخانان و فرمانروایان تیموری به جاودانه ساختن کشورگشایی و موفقیت‌های سیاسی و نظامی خود و خودآگاهی رجال ایرانی، تأثیر بسزایی بر رشد و شکوفایی تاریخ‌نگاری در آن عصر نهاد.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۱۳۲)

## جغرافیا (۳)

## ۱۴۱- گزینه «۴»

(صفا هاضری)

شناخت موقعیت گسل‌ها برای درک عمل زمین لرزه اهمیت زیادی دارد و پس از شکستگی و آزاد شدن انرژی به صورت زمین‌لرزه، از آن‌جایی که صفحات ثابت نیستند، تداوم حرکت موجب تجمع دوباره انرژی و شکستگی یا گسل جدید یا آزاد شدن انرژی در محل گسل‌های قدیمی می‌شود.

(جغرافیا (۳)، مقاطعات طبیعی، صفحه ۸۳)

## ۱۴۲- گزینه «۳»

(صفا هاضری)

بزرگی زلزله، مقدار انرژی‌ای است که زمین‌لرزه آزاد می‌کند. امروزه برای کاهش میزان تخریب ناشی از یک زمین‌لرزه (شدت) از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود.

(جغرافیا (۳)، مقاطعات طبیعی، صفحه ۸۴)

## ۱۴۳- گزینه «۱»

(صفا هاضری)

آبدهی رودها معمولاً در طول سال تغییر می‌کند و در کشور ما در زمستان و اوایل بهار آبدهی رودها افزایش می‌یابد.

(جغرافیا (۳)، مقاطعات طبیعی، صفحه ۸۹)

## ۱۴۴- گزینه «۱»

(کنکور خارج از کشور ۹۸)

چنانچه حجم آب رودخانه از میانگین سالیانه آبدهی آن بیشتر شود، سیل رخ می‌دهد. اگر آبدهی رود آن قدر افزایش یابد که از ظرفیت رود فراتر برود و سرریز شود، سیل خسارت‌بار می‌شود.

(جغرافیا (۳)، مقاطعات طبیعی، صفحه ۸۹)

## ۱۴۵- گزینه «۱»

(کنکور، سراسری نوبت اول ۱۴۰۲- دی ۵۵)

ویژگی‌های طبیعی حوضه رود در میزان سیل‌خیزی آن اثر دارد. هر قدر حوضه آبخیز یک رود، وسیع‌تر باشد آینده‌ی آن نیز بیشتر است. شکل حوضه، شیب و تعداد انشعابات حوضه نیز رابطه مستقیمی با سیل‌خیزی رود دارند. حوضه‌های آبخیز از نظر شکل به سه گروه گرد، دراز و پهن تقسیم می‌شوند. هر چه شکل حوضه آبخیز گردتر و شیب آن بیشتر باشد، سیل‌خیزتر است. به عکس، هرچه حوضه درازتر و کشیده‌تر باشد، سیل‌خیزی آن کمتر است.

در حوضه‌های گرد، مدت زمان کمتری صرف می‌شود تا آب آبراه‌ها خارج شوند؛ زیرا در حوضه‌های گرد به علت انشعابات پراکنده سرشاخه‌ها که طول آن‌ها تقریباً به یک اندازه است، همه جریان‌ها هم‌زمان به خروجی می‌رسند و موجب سرریز و وقوع سیل می‌شوند. به عکس در حوضه‌های کشیده، مدت زمان طولانی‌تری سپری می‌شود تا آب جاری مسافت سرچشمه تا خروجی را طی کند و در نتیجه آب سرشاخه‌ها به تدریج و به طور متوالی از حوضه تخلیه می‌شوند.

(یغرافیا (۳)، مقاطرات طبیعی، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

## جغرافیا (۳) - اختیاری

## ۱۴۶- گزینه «۱»

(صفا فاضری)

## بررسی موارد نادرست:

«ب»: فعالیت‌های کشاورزی، خاک‌برداری و زیربُری دامنه‌های پرشیب برای ساخت جاده از دخالت‌های انسانی در وقوع زمین‌لغزش‌هاست.  
«ج»: ذوب تدریجی برف امکان نفوذ بیشتری را فراهم می‌کند و موجب اشباع مواد رسوبی سطح دامنه‌ها و از بین رفتن مقاومت آن‌ها و سرانجام حرکتشان می‌شود.

(یغرافیا (۳)، مقاطرات طبیعی، صفحه‌های ۹۴ و ۹۵)

## ۱۴۷- گزینه «۲»

(علیرضا پوررا)

اگر میزان بارش در یک منطقه از حد میانگین بارندگی سالانه آن منطقه کمتر باشد، می‌توان گفت که در آن منطقه خشک‌سالی رخ داده است. خشک‌سالی ممکن است در هر نوع آب و هوایی اتفاق بیفتد. منطقه مرطوب بابل با بارندگی ۵۰۰ میلی‌متر، کمتر از میانگین بارش سالانه آن است؛ بنابراین خشک‌سالی پدید می‌آید. میزان بارش ۸۰۰ میلی‌متر بالاتر از بارش معمول در شهر سنج است؛ در نتیجه با خطر خشک‌سالی در این شهر مواجه نخواهیم بود.

(یغرافیا (۳)، مقاطرات طبیعی، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

## ۱۴۸- گزینه «۲»

(کنکور، فارغ از کشور ۱۴۰۱)

یکی از نشانه‌های وقوع احتمالی زمین‌لرزه، تغییر در آب‌های زیرزمینی است. در اثر فشار بر لایه‌های پوسته زمین، سطح آب زیرزمینی (چاه‌ها، چشمه‌ها و قنات‌ها) بالا یا پایین می‌رود یا ترکیب شیمیایی آن‌ها تغییر می‌یابد.

## بررسی نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: دستگاه‌های حساس لرزه‌نگار، کاهش لرزش‌های کوچک زمین را ثبت می‌کنند.

گزینه «۳»: در اثر فشار بر لایه‌های پوسته زمین، سطح آب چاه‌ها به‌طور نامنظم بالا و پایین می‌رود.

گزینه «۴»: پس از توقف لرزش‌ها، امکان تجمع انرژی بیشتر می‌شود و ممکن است در اثر تخلیه یکباره انرژی، زمین‌لرزه شدیدتری رخ دهد.

(یغرافیا (۳)، مقاطرات طبیعی، صفحه‌های ۱۰۰ و ۱۰۱)

## ۱۴۹- گزینه «۴»

(صفا فاضری)

عبارات صورت سؤال به ترتیب مربوط به مدیریت «بعد از زمین لرزه»، «زمان وقوع زمین‌لرزه» و «پیش از وقوع زمین‌لرزه» است.

(یغرافیا (۳)، مقاطرات طبیعی، صفحه‌های ۱۰۱ تا ۱۰۳)

## ۱۵۰- گزینه «۲»

(صفا فاضری)

در روش‌های سازه‌ای مدیریت پیش از وقوع سیل، قبل از وقوع سیل، شدت جریان آن براساس روش‌های هیدرولوژی محاسبه و تخمین زده می‌شود. سپس، با به کارگیری روش‌های مهندسی و احداث سازه‌های مناسب، نسبت به هدایت، انحراف یا مهار سیل اقدام می‌شود. از جمله این روش‌ها اصلاح بسترهای رودخانه‌ها، ایجاد کانال‌های انحرافی، ایجاد دیواره‌های مهارکننده و پایدارکننده، احداث سدهای ذخیره‌ای و سدهای تنظیمی (هدایت و اصلاح شیب آبراه‌ها) است.

اجرای روش‌های آبخیزداری از جمله روش‌های غیرسازه‌ای مدیریت پیش از وقوع سیل است.

(یغرافیا (۳)، مقاطرات طبیعی، صفحه‌های ۱۰۴ و ۱۰۵)

## جغرافیای ایران

## ۱۵۱- گزینه «۲»

(زهرآکتیبه)

پوشش گیاهی، منابع آب و دائمی یا موقت بودن رودها، معادن، خاک و ناهمواری‌ها از عوامل طبیعی اثرگذار بر پراکندگی جمعیت هستند؛ مانند عبارات «ب» و «ج».

حمل و نقل و ارتباطات، سرمایه و فناوری، سرمایه‌گذاری دولت‌ها و پیشینه و سابقه تاریخی از عوامل انسانی مؤثر بر پراکندگی جمعیت هستند؛ مانند عبارات «الف» و «د».

(یغرافای ایران، یغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۶۳ و ۶۴)

## ۱۵۲- گزینه «۱»

(مهمر ملک‌آباری زاده - پیرمیر)

متخصصان برای دستیابی به میزان افزایش یا کاهش جمعیت، رشد طبیعی جمعیت را اندازه‌گیری می‌کنند (رد گزینه ۲). سیاست کنترل جمعیت در کشور A به‌گونه‌ای است که در آینده، هرم سنی کشور به سمت سالمندی حرکت می‌کند (رد گزینه ۳). برهم خوردن تعادل جمعیتی، کاهش نیروی فعال و تضعیف نیروی دفاعی کشور از پیامدهای سیاست کاهش جمعیت در کشور B بوده است (رد گزینه ۴).

درستی گزینه «۱»:

مدت زمان دو برابر شدن جمعیت =  $\frac{۷۰}{\text{نرخ رشد جمعیت}}$  = قانون ۷۰

$$\left. \begin{aligned} A &= \frac{۷۰}{۰/۴} = ۱۷۵ \\ B &= \frac{۷۰}{۱/۴} = ۵۰ \end{aligned} \right\} \frac{A}{B} = \frac{۱۷۵}{۵۰} = ۳/۵$$

(بغرافیای ایران، بغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۶۴ تا ۶۹)

## ۱۵۳- گزینه «۳»

(زهره دامپار)

استان فارس از به هم پیوستن چند شهرستان همجوار تشکیل می‌شود. شهرستان شیراز از به هم پیوستن چند بخش همجوار تشکیل شده است که توسط فرماندار اداره می‌شود. بخش‌های استان فارس از به هم پیوستن چند دهستان همجوار به وجود آمده است. دهستان‌های استان فارس از به هم پیوستن چند روستا تشکیل می‌شود. از لحاظ نظام اداری، دهستان تابع بخش، بخش تابع شهرستان (شیراز) و شهرستان (شیراز) تابع استان (فارس) است.

(بغرافیای ایران، بغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۷۴ و ۷۵)

## ۱۵۴- گزینه «۲»

(مهمر ملک‌آباری زاده - پیرمیر)

## بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: در دوره قاجاریه، ایران به چهار ایالت و دوازده ولایت تقسیم شد. این ایالت‌ها عبارت بودند از: آذربایجان، کرمان و بلوچستان، فارس و بندر، خراسان و سیستان.

گزینه «۳»: در دوره عباسیان، قلمرو جغرافیایی آن‌ها به واحدهایی تحت عنوان «ایالت» تقسیم‌بندی می‌شد که در مجموع به ۳۱ ایالت می‌رسید. در دوره صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه عناصر اصلی تقسیمات کشوری به ترتیب عبارت بودند از: ایالت، ولایت، بلوک و قصبه.

گزینه «۴»: کوچک‌ترین واحد تقسیمات کشوری در دوره صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه و هم‌چنین در سال ۱۳۱۶، قصبه است.

(بغرافیای ایران، بغرافیای انسانی ایران، صفحه ۷۳)

## ۱۵۵- گزینه «۲»

(صفا هاضری)

دهستان: کوچک‌ترین واحد تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین است که از به هم پیوستن چند روستا، مکان و مزرعه همجوار تشکیل می‌شود و از لحاظ محیط طبیعی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی همگن است و امکان خدمات‌رسانی و برنامه‌ریزی در سامانه و شبکه‌ای واحد را فراهم می‌سازد. دهستان توسط دهدار اداره می‌شود.

روستا: واحد مبدأ تقسیمات کشوری است که از لحاظ محیط زیستی، وضعیت طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همگن است.

شهر: محلی است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی بخش واقع شده و از نظر بافت ساختمانی، اشتغال و سایر عوامل، دارای سیمایی با ویژگی‌های خاص خود بوده، به طوری که اکثریت ساکنان دائمی آن در مشاغل کسب، تجارت، صنعت، کشاورزی، خدمات و فعالیت‌های اداری اشتغال دارند. شهر توسط شهردار اداره می‌شود.

(بغرافیای ایران، بغرافیای انسانی ایران، صفحه‌های ۷۴ و ۷۵)

## جغرافیا (۲)

## ۱۵۶- گزینه «۳»

(صفا هاضری)

فعالیت‌های نوع چهارم، بخشی از فعالیت‌های اقتصادی که فراهم‌کننده خدمات مربوط به جمع‌آوری و پردازش اطلاعات و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی (ICT) و پژوهش و تحقیق و توسعه است را شامل می‌شوند. مورد گزینه «۳» با این دسته از فعالیت‌های اقتصادی انطباق دارد.

(بغرافیا (۲)، نوای انسانی، صفحه ۸۴)

## ۱۵۷- گزینه «۳»

(علیرضا پیرا)

استفاده از کود، آفت‌کش‌های شیمیایی، ماشین‌آلات و بذره‌های اصلاح‌شده در کشاورزی تجاری انجام می‌شود؛ در حالی که تصویر صورت سؤال، مربوط به کشاورزی غیرتجاری (معیشتی) است.

(بغرافیا (۲)، نوای انسانی، صفحه‌های ۸۴ تا ۸۶)

## ۱۵۸- گزینه «۳»

(صفا هاضری)

منظور از اقتصاد جهانی، تجارت بین‌المللی کالاها و خدمات است که بر مبنای ارزش یک پول معین صورت می‌گیرد.

اغلب ما در زندگی روزانه با اقتصاد جهانی سروکار داریم. برای مثال، برخی کالاهایی که ما مصرف می‌کنیم ممکن است در کارخانه‌هایی در مناطق دوردست خارج از کشور تولید شده و به دست ما رسیده باشد.

(بغرافیا (۲)، نوای انسانی، صفحه ۱۰۰)

۱۵۹- گزینه «۴»

(علیرضا پدرا)

**شکل صحیح موارد نادرست:**

الف) کشورهای مرکز، در زمینه فناوری‌های جدید پیشرفته‌تر از کشورهای پیرامون هستند.

ب) کشورهای پیرامون، در خدمت کشورهای مرکز می‌باشند، و از نظر نیروی کار ماهر، ضعیف‌تر هستند.

پ) مهاجرت مغزهای متفکر از کشورهای پیرامون به کشورهای مرکز، طی دهه‌های اخیر افزایش یافته است.

ت) جایگاه کشورهای مختلف به عنوان کشور مرکز یا پیرامون طی سال‌ها، ممکن است تغییر کند و در طول زمان ثابت نیست.

(یغرافیا (۲)، نواحی انسانی، صفحه‌های ۱۰۶ و ۱۰۷)

۱۶۰- گزینه «۳»

(کنکور سراسری ۱۴۰۱)

امروزه صاحبان اغلب مزارع تک‌محصولی تخصصی شرکت‌های بزرگ به‌ویژه شرکت‌های چندملیتی هستند. شرکت‌های چندملیتی شرکت‌هایی هستند که معمولاً بخش مرکزی آن‌ها در کشورهای پیشرفته صنعتی قرار دارد و شعبه‌ها و کارخانه‌های مونتاژ آن‌ها در سایر نواحی ایجاد شده‌اند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: محل استقرار دفتر مرکزی این شرکت‌ها در کشورهای پیشرفته صنعتی قرار دارد.

گزینه «۲»: بیشتر مزارع تک‌محصولی نواحی استوایی در نزدیکی ساحل دریاها واقع شده‌اند تا بتوان از کشتی برای صدور محصولات به نواحی مختلف جهان استفاده کرد.

گزینه «۴»: این مزارع در کشورهای نواحی استوایی احداث شده‌اند.

(یغرافیا (۲)، نواحی انسانی، صفحه‌های ۹۱ و ۹۲)

**فلسفه دوازدهم**

۱۶۱- گزینه «۲»

(موسی سپاهی- سراوان)

عقل‌گرایی و خردورزی‌ای که در ایران قدیم شکل گرفته بود، به‌تدریج از قدرت آن کاسته شد (رد گزینه «۱») و در عصر ساسانیان و اواخر این عصر به ضعف گرایید. (رد گزینه «۳» و تأیید گزینه «۲») باید توجه کرد که عقاید نابخردانه حاصل افول عقل‌گرایی هستند نه این که عقل‌ورزی ایرانیان باستان نتیجه این عقاید باشد.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه ۵۹)

۱۶۲- گزینه «۲»

(پرگل رحیمی)

اولین مخلوق خدا، عقل اول است. عقول دیگر به‌ترتیب از عقل اول و در نتیجه خداوند، صادر می‌شوند. مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان و عقل بشری، مانند نسبت آفتاب و چشم است.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه ۶۳)

۱۶۳- گزینه «۲»

(مهمر رضایی‌نقا)

عقل انسان پرتوی از عقل فعال است، نه صرفاً و مستقیماً از عقل اول. عقل اول، اولین مخلوق است و عقول دیگر به‌ترتیب از او صادر می‌شوند و عقلی که در انسان است، پرتوی از عالم عقول خواهد بود.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه ۶۳)

۱۶۴- گزینه «۴»

(فرهار قاسمی‌نژاد)

در مرحله عقل بالملکه است که عقل مفاهیم و قضایای بدیهی را درک می‌کند، مثلاً می‌داند که کل از جزء بزرگ‌تر است.

(فلسفه دوازدهم، عقل در فلسفه - قسمت دوم، صفحه‌های ۶۴ و ۶۵)

۱۶۵- گزینه «۱»

(علیرضا تمیزی)

ملاصدرا معتقد است که فلسفه - اگر از مغالطه خالی باشد - و علوم یقینی و قطعی عقلی، هرگز با مفاد دینی که از قرآن و سنت پیامبر حاصل شده و برآمده‌اند، مخالف نخواهد بود. اگر چنین تعارضی پیش آید، یا آن معرفت عقلی، یقینی نبوده و آکنده از خطاست، یا آن‌چه قرآنی و دینی پنداشته می‌شده، در واقع دینی نبوده است. (تأیید گزینه «۱»)

البته این بدین معنا نیست که فلسفه به تمام حقایق دینی خواهد رسید، مثلاً رسیدن به بسیاری از احکام عبادی، مثل نماز و روزه و ... از طریق تعقل فلسفی ممکن نیست. (رد گزینۀ «۲»)

(فلسفۀ دوازدهم، عقل در فلسفۀ - قسمت دوم، صفحۀ ۶۶)

#### ۱۶۶- گزینۀ «۴»

(علیرضا نصیری)

نهضت ترجمه، نهضتی بود که از قرن دوم هجری آغاز شد و کمکی سترگ به شکل‌گیری «حیات فلسفی» در جهان اسلام نمود. در این نهضت، علوم سایر ملل به عالم اسلامی منتقل شد و مسلمانان با فراگیری معارف پیشینیان به سرعت سرآمد دانش در جهان شدند و با نقد و بررسی آن آراء، به پیش‌برد و پیشرفت آن علوم کمک کردند و محصور و مقلد آن چه از قبل به آن‌ها رسیده بود، نماندند.

#### تکات مهم درسی:

سؤالات مطرح شده از این درس - به‌خصوص بخش ابتدایی آن - حفظی و متن‌محور هستند و طراح سؤال صرفاً با طراحی سؤالات جزئی از متن درس می‌تواند دانش‌آموز را به چالش بکشد و بنابراین برای کسب موفقیت در حل سؤالات آن، باید بر متن درس به‌نحو قابل توجه‌ای مسلط باشید.

#### تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینۀ «۱»: ترجمه صرفاً مختص علوم عقلی نبود، بلکه علوم تجربی و ادبی و سیاسی نیز به عربی ترجمه شدند.

گزینۀ «۲»: «دری» از جمله زبان‌هایی که ترجمه‌هایی از آن صورت گرفت، نبود. دقت کنید که زبان دری در آن زمان هنوز رواج نداشت و اصلاً متن خاصی از آن موجود نبود که بخواهد ترجمه‌ای از آن صورت بگیرد. آن چه در کنار سایر زبان‌ها، مورد توجه بود، زبان «پهلوی» بود نه «دری»!

گزینۀ «۳»: آن چه در آن زمان رخ داد، ترجمۀ محض نبود؛ بلکه نقد و بررسی آراء پیشینیان نیز در دستور کار بود.

(فلسفۀ دوازدهم، آغاز فلسفۀ در جهان اسلام، صفحۀ ۷۳)

#### ۱۶۷- گزینۀ «۴»

(همیر سوریان)

بحث و گفت‌وگو در مباحث اعتقادی از همان زمان رسول خدا (ص) آغاز شد و به سرعت در میان مسلمانان گسترش یافت. بسیاری از این مباحث، از جنس مباحث فلسفی بودند. بنابراین مباحث فلسفی از همان ابتدا در تمدن اسلامی وجود داشته است، ولی دانش تخصصی فلسفه بعد از دو قرن ایجاد شد.

#### تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینۀ «۱»: روش‌های خاص و بدیعی در ایجاد حیات عقلی به‌کار گرفته شد ولی آنچه سبب شد مسلمانان سرآمد زمان شوند، معارف خاص و بدیع نبود بلکه از طریق نهضت ترجمۀ متون، مسلمانان به‌زودی معارف پیشینیان را فرا گرفتند و در اغلب رشته‌های دانش سرآمد ملت‌های زمان خود شدند.

گزینۀ «۲»: حیات عقلی به‌منزله زمین حاصلخیز است که دانۀ هر رشته علمی که در آن کاشته شود، رشد می‌کند و تبدیل به درخت تناور می‌شود و ثمر می‌دهد، نه اینکه به‌منزله خود رشد درختان و ثمر دادنشان باشد. در واقع، حیات علمی به‌منزله رشد درختان دانش و ثمر دادن آن‌هاست، نه حیات عقلی.

گزینۀ «۳»: دعوت به یادگیری علم و دانش ملت‌ها و تمدن‌های دیگر و استفاده از آن‌ها، در قرآن و گفتار و رفتار پیامبر (ص) مشاهده می‌شود، ولی یکی از مصادیق بارز اجرای آن در نهضت ترجمه که از قرن دوم آغاز شد، شکل گرفت.

(فلسفۀ دوازدهم، آغاز فلسفۀ در جهان اسلام، صفحۀ‌های ۷۲ و ۷۳)

#### ۱۶۸- گزینۀ «۱»

(فیروز نژادنهف - تبریز)

حکمت از نظر یک فیلسوف مشائی مانند ابن‌سینا عبارت است از: «فنی استدلالی و فکری که انسان عالم، وجود را آنچنان که هست، به‌وسیله این فن به‌دست می‌آورد و نفس خویش را به کمال می‌رساند و به جهانی عقلی مشابه جهان واقعی تبدیل می‌شود و مستعد رسیدن به سعادت نهایی، به اندازه طاقت بشری می‌گردد.» و بنابراین با مفهوم بیت مطرح شده هم‌خوانی کامل دارد.

(فلسفۀ دوازدهم، آغاز فلسفۀ در جهان اسلام، صفحۀ ۷۴)

#### ۱۶۹- گزینۀ «۱»

(سبا بعفرزاده صابری)

فارابی مدینۀ فاضله را به بدنی سالم تشبیه می‌کند که هر عضو آن متناسب با ویژگی خود وظیفه‌ای برعهده دارد و آن وظیفه را به‌نحو احسن انجام می‌دهد. همانگونه که در اعضای بدن، برخی بر برخی تقدم دارند، برخی از اعضای جامعه نیز بر برخی دیگر مقدم‌اند؛ مثلاً همانطور که قلب بر همه اعضای بدن ریاست دارد، در مدینۀ فاضله هم باید کسی که ویژگی‌های ممتازی دارد، بر مردم ریاست کند. این تقسیم‌بندی اعضا و وظایف، مشابه با سخن افلاطون است که برای برخی از اعضای جامعه شایستگی و جایگاه بیشتر قائل شده و به برخی دیگر نیز با توجه به ویژگی‌های خود درجه کمتری داده است.

(فلسفۀ دوازدهم، آغاز فلسفۀ در جهان اسلام، صفحۀ ۷۶)

#### ۱۷۰- گزینۀ «۳»

(همیر سوریان)

بهترین مدینه‌ها، از نظر وی، مدینه‌ای است که مردم آن به اموری مشغول هستند و به فضایی آراسته‌اند که مجموعه مدینه را به‌سوی سعادت می‌برد و چنین جامعه‌ای از نظر فارابی «مدینۀ فاضله» است. فارابی مدینۀ فاضله را



بر این اساس، بهترین مدینه‌ها، از نظر وی، مدینه‌ای است که مردم آن به اموری مشغول هستند و به فضایی آراسته‌اند که مجموعه مدینه را به سوی سعادت می‌برد و چنین جامعه‌ای از نظر فارابی «مدینه فاضله» است. بنابراین هم جامعه برای سعادت فرد است و هم فرد باید به سعادت جامعه کمک کند و این یعنی همه برای یکی و یکی برای همه.

#### تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: خود فارابی هرگز مشاغل سیاسی را نپذیرفت و با اهل سیاست معاشرت نداشت. با وجود این، در سیاست بسیار اندیشید و آثاری در این زمینه نوشت.

گزینه «۳»: فارابی از این دلیل که حق حکومت از آن خداست، برای اثبات لزوم دادن ریاست جامعه به حجت خدا استفاده نکرد، بلکه با توجه به هدف جامعه که سعادت است، صلاحیت این کار را تنها برای چنین شخصی می‌دانست.

گزینه «۴»: در مدینه فاضله، هدف اصلی سعادت در دنیا و آخرت است و این دو منافاتی با هم ندارند و لذت‌های دنیایی و سلامت جسم هم سهم خاص خود را در سعادت دنیا دارند و باید به همان اندازه مورد توجه باشند.

البته در مواردی ممکن است برخی لذت‌ها فدای امور مهم‌تری شوند.

(فلسفه دوازدهم، آغاز فلسفه در جهان اسلام، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

#### ۱۷۳- گزینه «۳» (حسن صدیقی)

شکل‌گیری علوم طبیعی در گروهی کشف ویژگی‌ها و روابط پدیده‌های آن است. اما از نظر ابن‌سینا «دانشمند» و «عالم» طبیعت باید علاوه بر کشف ویژگی‌ها و روابط پدیده‌های آن، به رابطه این جهان طبیعت با مبدأ وجودی آن نیز بپردازد و در آن تفکر کند.

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه‌های ۸۰ و ۸۱)

#### ۱۷۴- گزینه «۴» (نیمه پواهری)

ابن‌سینا می‌گوید وقایع ویرانگر طبیعی تنها در مرتبه موجودات عالم طبیعت که موجب خسران یا ضرر به آن‌ها می‌شوند، شر محسوب می‌شوند، اما در کل مجموعه نظام طبیعت موجب خیر هستند و لازمه جهان طبیعت و جهان مادی هستند. ذات این وقایع فی‌نفسهم شر نیست.

#### بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: این وقایع در مجموعه نظام طبیعت موجب خیر هستند، نه شر و نابسامانی.

گزینه «۲»: این وقایع در نسبت با برخی پدیده‌ها موجب خسران و ضرر می‌شوند و این‌گونه نیست که خیر مطلق باشند.

به بدنی سالم تشبیه می‌کند که هر عضو آن متناسب با ویژگی خود وظیفه‌ای برعهده دارد و آن وظیفه را به‌نحو احسن انجام می‌دهد. بنابراین در مدینه فاضله مردم به‌دنبال رشته‌های پرطرفدار دانشگاهی نیستند بلکه اصلاً رشته پرطرفداری وجود ندارد و هر رشته به اندازه نیاز جامعه عضو می‌پذیرد و هرکس به‌دنبال رشته دانشگاهی یا فنون و حرفه‌های غیردانشگاهی متناسب با خود است که از طریق آن بتواند مجموعه مدینه را در رسیدن به سعادت دنیا و آخرت یاری دهد و با توجه به ویژگی‌های خودش، نقش خاص و ویژه خود در جامعه را ایفا کند (تأیید گزینه «۳» و رد گزینه «۱»). بنابراین مدرسه هم باید براساس استعدادها و ویژگی‌های متفاوت افراد به آن‌ها امکانات متفاوتی بدهد تا بتوانند در زمینه هدف خاص تحصیلی خود و استعدادی که دارند، رشد کنند (رد گزینه «۴»). البته در این شرایط وقتی مشخص شد وظیفه هرکس تلاش در کدام مسیر است، رتبه و جایگاه علمی و تحصیلی در آن مسیر حتماً مهم است تا تقدم اعضا شکل بگیرد و برخی بر برخی دیگر مقدم شوند و ریاست پیدا کنند. مثلاً برترین پزشک بر دیگر پزشکان و برترین مهندس بر دیگر مهندسان تقدم و ریاست پیدا کند (رد گزینه «۲»).

(فلسفه دوازدهم، آغاز فلسفه در جهان اسلام، صفحه ۷۶)

### فلسفه دوازدهم – اختیاری

#### ۱۷۱- گزینه «۲»

(نیمه پواهری)

فارابی در کتاب «الجمع بین رأی‌الحکیمین» میان فلسفه افلاطون و ارسطو وحدت ایجاد می‌کند و به بیان اشتراک نظر آن‌ها می‌پردازد. عبارت صورت سؤال اشاره به نظریه مثل افلاطون دارد که فارابی به نشانه‌های آن در فلسفه ارسطو اشاره می‌کند. از آنجایی که با این نظریه در فلسفه افلاطون آشنا شده‌اید می‌توان نتیجه گرفت چنین موضوعی درباره ارسطو باید در کتاب جمع رأی حکیمین بیان شده باشد.

با این حال جالب است بدانید که در فلسفه ارسطو واقعاً چنین نیست و دلیل تألیف این کتاب فارابی بیشتر این بود که کتابی از آموزه‌های فلوطین به اشتباه به‌نام ارسطو در جهان اسلام ترجمه شد!

(فلسفه دوازدهم، آغاز فلسفه در جهان اسلام، صفحه ۷۵)

#### ۱۷۲- گزینه «۱»

(همید سوریان)

به عقیده فارابی، مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی اجتماعی می‌گذرد و به همین جهت باید هدف اصلی جامعه و مدینه نیز سعادت انسان در دنیا و آخرت باشد (پس سعادت تک‌تک اعضا در جامعه مهم و مورد توجه است).

گزینه «۳»: ابن سینا نمی‌گوید که ما اصلاً نمی‌توانیم دربارهٔ خیر یا شر بودن این وقایع داوری کنیم. بلکه منظور او این است که نباید شرّ نسبی یک پدیده نسبت به پدیدهٔ دیگر را به کل نظام طبیعت تسری دهیم، بلکه آن امر در مجموعهٔ نظام شرّ نیست و خیر است.

(فلسفه دوازدهم، دورهٔ میانی، صفحه ۸۱)

#### ۱۷۵- گزینه «۴»

(نیمه پوهاری)

موجودات تاریک و ظلمانی (یعنی همان امور مادی و کیفیات جسمانی) بهره‌ای از نور ندارند و نمی‌توانند به مراتب بالاتر نور صعود کنند. نور آنها عارضی و از بیرون است و در ذات خود نور نیستند. کمال و رستگاری نهایی رفتن یک نور به مراتب دیگر نور و در نهایت رسیدن به مرتبهٔ نور محض است.

(فلسفه دوازدهم، دورهٔ میانی، صفحه ۸۴)

#### منطق

#### ۱۷۶- گزینه «۳»

(فرهاد قاسمی نژاد)

مقدم به‌لحاظ معنی مقدم است و تالی به‌لحاظ معنی بعد از مقدم می‌آید. در گزینه‌های «۱، ۲ و ۴» ابتدا مقدم ذکر شده و بعد تالی، اما در گزینهٔ «۳» ابتدا تالی ذکر شده و بعد مقدم.

(منطق، قضیهٔ شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۸۵ و ۸۶)

#### ۱۷۷- گزینه «۲»

(فیروز نژادنیف - تبریز)

قضیهٔ منفصلهٔ مانع‌الجمع غیرقابل جمع در صدق، ولی قابل جمع در کذب می‌باشد. قضیهٔ «خودکار یا آبی است یا قرمز» مانع‌الجمع است و هر دو می‌توانند کاذب باشند. یعنی خودکار می‌تواند نه آبی باشد نه قرمز و مثلاً سبز باشد.

(منطق، قضیهٔ شرطی و قیاس استثنایی، صفحه ۸۷)

#### ۱۷۸- گزینه «۳»

(علیرضا نمیری)

به استدلالی که از دو مقدمهٔ حملی - که توسط گزاره‌ای که حدّ وسط می‌نامیم، به هم مرتبط شده‌اند - و نتیجه‌ای حملی تشکیل شده باشد، قیاس اقترانی حملی می‌گوییم. در مقابل به قیاسی که از یک مقدمهٔ شرطی - متصل یا منفصل - و یک قضیهٔ حملی - که عین یا نقیض بخشی از مقدمهٔ اول است - به همراه نتیجه‌ای حملی تشکیل شده باشد، قیاس استثنایی می‌گوییم. بنابراین در هر دوی این قیاس‌ها، مقدمه‌ای حملی - در قیاس

اقترانی حملی دو مقدمهٔ حملی و در قیاس استثنایی یک مقدمهٔ حملی - وجود دارد و این موضوع نمی‌تواند ملاک تفاوت این دو باشد. (رد گزینهٔ «۱») نتیجهٔ هر دو قیاس نیز حملی است و از این حیث نیز تفاوتی میان این دو وجود ندارد. (رد گزینه‌های «۲» و «۴»)، اما باید دانست که در قیاس اقترانی حملی، عین یا نقیض نتیجه هرگز در بخشی از مقدمات ذکر نمی‌شود و این امر مختص قیاس استثنایی است و می‌تواند ملاک تمییز و تفاوت آن از قیاس اقترانی حملی باشد. (تأیید گزینهٔ «۳»)

(منطق، قضیهٔ شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۹۰ و ۹۱)

#### ۱۷۹- گزینه «۳»

(مهمر رضایی بقا)

وقتی می‌گوییم «دیپلمهٔ ریاضی»، یعنی کسی که دیپلم انسانی ندارد؛ پس مقدم را نفی و رفع کرده‌ایم.

(منطق، قضیهٔ شرطی و قیاس استثنایی، صفحه ۹۱)

#### ۱۸۰- گزینه «۲»

(همید سوریان)

اگر کودک چنین برداشت کرده باشد که امروز می‌تواند انتخاب کند که یا یک اسباب‌بازی بخرد یا برود پارک و نه هر دو و نه هیچ‌کدام، در این صورت با استدلال براساس این قضیهٔ شرطیه، یک قیاس انفصالی حقیقی تشکیل داده است. در این گزینه از آنجا که کودک از نفی یک طرف (چشم‌پوشی از اسباب‌بازی جدید)، به اثبات طرف دیگر رسیده (گزینه‌ای به‌جز پارک رفتن برایش باقی نخواهد ماند) (نه هیچ‌کدام) و از اثبات یک طرف (امروز به پارک رفتن)، به نفی طرف دیگر (تنها با چشم‌پوشی از خرید اسباب‌بازی جدید) (نه هر دو) رسیده است، پس از قیاس انفصالی حقیقی بهره برده است.

#### تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: در اینجا کودک فهمیده است که نمی‌تواند هیچ‌کدام از دو طرف را انتخاب نکند (نه هیچ‌کدام)، ولی ممکن است گمان کند هر دو طرف را هم می‌تواند انتخاب کند (شاید هر دو).

گزینهٔ «۳»: در اینجا کودک فهمیده است که نمی‌تواند هر دو طرف را با هم داشته باشد (نه هر دو)، ولی ممکن است گمان کند هیچ‌کدام از دو طرف را می‌تواند انتخاب نکند (شاید هیچ‌کدام).

گزینهٔ «۴»: با توجه به امکان جمع شدن خرید اسباب‌بازی و پارک رفتن در امروز (شاید هر دو)، این گزینه نمی‌تواند یک استنتاج انفصالی حقیقی باشد.

(منطق، قضیهٔ شرطی و قیاس استثنایی، صفحه‌های ۹۲ و ۹۳)

## فلسفه یازدهم

## ۱۸۱- گزینه «۱»

(پرگل رهیمی)

این آموزه که بارزترین دارایی انسان نفس اوست، و وظیفه اصلی هرکس باید مراقبت از آن باشد، از آموزه‌های افلاطون است.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۱)، صفحه ۷۲)

## ۱۸۲- گزینه «۳»

(سبا پیغرزازه صابری)

کانت گفت انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است و یک چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد. اختیار نیز ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است.

**علت رد سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: در این دوره، همان‌طور که فیلسوفان اروپایی از جهت معرفت‌شناسی به دو گروه (عقل‌گرایان) و (تجربه‌گرایان) تقسیم شدند، از جهت انسان‌شناسی نیز به تدریج، دو تلقی از انسان پیدا کردند و دو جریان را پدید آوردند.

گزینه «۲»: یک جریان در دوره جدید اروپا همانند افلاطون و ارسطو، همچنان معتقد به وجود (نفس) یا روح هستند و برای انسان دو بعد روحی و مادی قائل‌اند و حقیقت انسان را همان روح و نفس وی می‌دانند.

گزینه «۴»: دکارت بدن انسان را همچون ماشینی پیچیده می‌داند نه خود انسان و نفس را.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۱)، صفحه ۷۳)

## ۱۸۳- گزینه «۲»

(مهمم رضایی‌نقا)

از نظر دکارت روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می‌کند. روح از قوانین فیزیکی آزاد است، ولی بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می‌کند و آزاد نیست. این جدایی روح و بدن، مانع از توضیح تأثیر دوسویه و متقابل روح و جسم بر یکدیگر می‌شود.

**تکلیف:** توماس هابز و کارل مارکس اساساً قائل به نفس مجرد از ماده نیستند و بنابراین نیازمند نیستند که رابطه‌ای دوسویه را میان این دو تبیین کنند.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۱)، صفحه‌های ۷۲ تا ۷۴)

## ۱۸۴- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

باور مطرح‌شده در صورت سؤال، قابلیت انتساب به ماده‌باورها یا ماتریالیست‌ها را دارد. این دسته از متفکران به علت نفی ساحت روحانی از انسان و نگاه مادی صرف، مجبور بودند که اخلاق و فعل اخلاقی را نیز به نحوی صرفاً ماده‌انگارانه توجیه کنند.

**تکلیف:** این که انسان نوعی حیوان راست‌قامت است هم مورد قبول ماده‌باورها و داروینیست‌ها و هم مورد پذیرش فیلسوفان الهی است. محل تمایز این دو، نفی یا پذیرش ساحت غیرمادی است؛ اما بر سر وجود بعد مادی انسان اختلافی وجود ندارد.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۱)، صفحه‌های ۷۴ و ۷۵)

## ۱۸۵- گزینه «۴»

(فرهاد قاسمی‌نژاد)

ماتریالیست‌ها همه موجودات از جمله انسان را صرفاً دارای یک بعد و یک ساحت می‌دانند که همان بعد مادی و جسمانی است. آن‌ها ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی می‌دانستند نه روح و نفس را. این گروه از فلاسفه اساساً برای انسان روح و نفس قائل نیستند.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۱)، صفحه‌های ۷۴ و ۷۵)

## ۱۸۶- گزینه «۲»

(فرهاد قاسمی‌نژاد)

این بیت بیانگر جدایی و مفارقت تامّ نفس و بدن می‌باشد که از میان همه حکیمان مطرح‌شده، در نگاه مکتب اشراق و سهروردی بیشتر به چشم می‌خورد. همچنین مشابهت رویکرد شهودی سهروردی و ابیات این‌چنینی نیز مؤید این نظر خواهد بود.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۲)، صفحه‌های ۷۸ و ۸۰)

## ۱۸۷- گزینه «۱»

(کتاب آبی پیمان‌های - کنگور فارغ از کشور ۱۳۰۱)

این سینا نفس را یک امر مجرد و غیرمادی می‌داند که هنگامی که جنین صاحب اندام‌های گوناگون شد به آن تعلق می‌گیرد. اما روح پس از مرگ بدن از آن جدا می‌شود و امری فانی نیست و حیات آن ادامه دارد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۲»: عبارت مطرح‌شده در پایان این گزینه مربوط به نظر ماتریالیست‌ها پیرامون انسان است.

گزینه «۳»: نفس از نظر سهروردی ذاتی نورانی است و از جنس انوار است. ظلمت همان جسم انسان است نه نفس او. پس نفس انسان حقیقتی نورانی است، نه آمیخته‌ای از نور و ظلمت.

گزینه «۴»: فیلسوفان مسلمان با استناد به معارف دینی و آموزه‌های قرآن برای روح انسانی جایگاهی والا قائل بودند و آن را مسجود فرشتگان می‌دانستند؛ نه به خاطر تأثیرپذیری از آراء فلاسفه یونان یا شهودی که خود فلاسفه اسلامی داشتند.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۲)، صفحه‌های ۷۸ تا ۸۱)

## ۱۸۸- گزینه «۳»

(علیرضا نمیری)

سهروردی نیز مانند سایر حکمای اسلامی، انسان را موجودی می‌داند که دو جنبه مادی و غیرمادی، یا محسوس و غیرمحسوس دارد. سهروردی جنبه نورانی انسان را نفس که متعلق به مشرق وجود است، و جنبه ظلمانی انسان را بدن او می‌داند که مرتبط به مغرب عالم است. بنابراین از نظر سهروردی انسان مطلقاً در مشرق عالم نیست و به‌طور مطلق نیز در مغرب قرار نگرفته است. (رد گزینیه‌های «۱» و «۲») از نظر سهروردی انسان دارای دو وجه ظلمانی و نورانی است و بنابراین از مغرب تا مشرق عالم امتداد یافته است؛ در حالی که فرشتگان متعلق به مشرق عالم می‌باشند.

**تکلیف:** نفس انسانی است که با کسب نورانیت بیشتر، حقایق را بهتر درک می‌کند؛ نه جنبه ظلمانی او، یعنی بدنش.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۲)، صفحه ۸۰)

## ۱۸۹- گزینه «۴»

(موسی سپاهی - سروان)

محمدبن ابراهیم قوامی شیرازی ملقب به ملاصدرا مکتب فلسفی متعالیه را تأسیس کرد و ایشان همانند بسیاری دیگر از فیلسوفان انسان را دارای دو جنبه روح و بدن می‌داند. از نظر حکمت متعالیه روح انسان آخرین درجه تکاملی موجودات زنده است.

**تشریح سایر گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: روح نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن (نه نفس) است.

گزینه «۲»: روح و بدن وحدتی حقیقی دارند به‌گونه‌ای که روح باطن بدن است.

گزینه «۳»: براساس مکتب متعالیه روح چیزی ضمیمه شده به بدن نیست.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۲)، صفحه ۸۱)

## ۱۹۰- گزینه «۲»

(علیرضا نمیری)

ملاصدرا «نفس ناطقه» یا «نفس انسانی» را آخرین مرحله تکاملی موجودات زنده می‌داند که انسان می‌تواند به آن برسد و با رسیدن به مرحله نفس ناطقه، انسان ظرفیتی بی‌نهایت می‌یابد تا بتواند بی‌نهایت رشد کند و دارای کمالات شود، و همچنین تا بی‌نهایت تنزل یابد و شرارت اندوزد. بنابراین مرحله‌ای که ملاصدرا آن را آخرین مرحله تکاملی موجودات زنده می‌داند، همان چیزی است که در بیت دوم این شعر که از مولوی ذکر شده است، به آن اشاره شده. (مصراع «مردم از حیوانی و آدم شدم») از نظر ملاصدرا سایر فضایی که در ادامه این بیت آمده نیز در ذیل همین نفس انسانی، ممکن و میسر است و فراتر از آن نیست.

(فلسفه یازدهم، پیستی انسان (۲)، صفحه ۸۱)

## اقتصاد

## ۱۹۱- گزینه «۱»

(مهروی ضیائی)

- کالاهای واسطه‌ای کالاهایی هستند که در تولید سایر کالاها از جمله کالاهای نهایی استفاده می‌شوند. لاستیک خودرو و شکر کالاهای واسطه‌ای هستند. (رد گزینیه‌های ۲ و ۴) برای اندازه‌گیری تولید ناخالص داخلی، تنها کالا و خدمات نهایی در نظر گرفته می‌شود؛ نه کالاهای واسطه‌ای چراکه خدمات و کالاهای واسطه‌ای همگی در تولیدات نهایی محاسبه شده‌اند و اگر آن‌ها را هم جداگانه محاسبه کنیم دچار خطای محاسبه مجدد شده‌ایم.

- تولید ناخالص داخلی (GDP)، دربردارنده تولیداتی است که در داخل مرزهای یک کشور تولید می‌شود. (چه توسط افراد کشور که در داخل ساکن هستند چه توسط خارجی‌های مقیم کشور. بدیهی است در محاسبات تولید داخلی، تولید افراد کشور که در خارج ساکن هستند، لحاظ نمی‌شود).

«رأیة خدمات مهندسی در حوزه الکترونیک توسط مهندسان ژاپنی در ایران» و «تولید برنج توسط کشاورزان پاکستانی در استان فارس» در محاسبه تولید ناخالص داخلی ایران لحاظ می‌شوند.

«رأیة خدمات مهاجرتی توسط وکلای ایرانی در کشور ترکیه» و «فروش خودروی ایرانی در کشور روسیه» در محاسبه تولید ناخالص داخلی ایران لحاظ نمی‌شوند.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۰ و ۱۲۱)

## ۱۹۲- گزینه «۲»

(آخرین ساپی)

اگر در جامعه‌ای میزان تولید در دوره‌ای معین نسبت به دوره قبل افزایش یابد، می‌گوییم در آن جامعه رشد صورت گرفته است. بنابراین رشد به معنای افزایش تولید است و این امر به درآمد بیشتر می‌انجامد. همچنین با گذشت زمان، ظرفیت تولیدی کشور افزایش می‌یابد و مرز امکانات تولید به سمت بالا و بیرون منتقل می‌شود.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۱۸ و ۱۱۹)

## ۱۹۳- گزینه «۴»

(کتاب آبی پیمان‌های)

با در نظر گرفتن سال اول به عنوان سال پایه، میزان تولید کل به قیمت اسمی در این سال با میزان تولید کل به قیمت واقعی در همان سال برابر خواهد بود:

= تولید کل به قیمت اسمی در سال اول (پایه)

میلیون ریال ۲۳۰ = تولید کل به قیمت واقعی در سال اول (پایه)

شاخص‌ها نظیر شاخص امید به زندگی میزان سواد یا شاخص‌های مربوط به بهداشت ترکیب کنیم، تصویر کامل‌تری از پیشرفت اقتصادی یک کشور به دست می‌آوریم.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۲۶)

(آخرین سامری)

### ۱۹۶- گزینه «۳»

(الف)

= تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۱۴۰۱

$$(200,000 \times 235) + (120,000 \times 140) = 47,000,000 + 16,800,000$$

$$= 63,800,000 \text{ تومان} = 63/800 \text{ میلیون تومان}$$

= تولید ناخالص داخلی واقعی سال ۱۴۰۰

$$(100,000 \times 230) + (50,000 \times 110) = 23,000,000 + 5,500,000$$

$$= 28,500,000 \text{ تومان} = 28/500 \text{ میلیون تومان}$$

(ب) چون تولید ناخالص داخلی به واحد پولی اندازه‌گیری می‌شود، با مشکل تغییرات قیمت مواجه هستیم (قیمت کالاها و خدماتی که تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهند به‌طور مداوم در حال تغییر است). بنابراین باید اثرات انحرافی تغییر قیمت بر محاسبه تولید حذف شود و تولید واقعی اندازه‌گیری شود.

(ج)

= تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۱۴۰۰

$$(150,000 \times 230) + (70,000 \times 110) = 34,500,000 + 7,700,000$$

$$= 42,200,000 \text{ تومان} = 42/200 \text{ میلیون تومان}$$

= تولید ناخالص داخلی اسمی در سال ۱۳۹۹ (سال پایه)

$$(100,000 \times 200) + (50,000 \times 80) = 20,000,000 + 4,000,000$$

$$= 24,000,000 \text{ تومان} = 24 \text{ میلیون تومان}$$

میزان افزایش تولید کل ناشی از افزایش تولید کالاها و خدمات در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال پایه:

$$\text{ارزش تولید کل در سال پایه} - \text{ارزش تولید کل در سال ۱۴۰۰} = \text{قیمت جاری} =$$

$$= 42/200 - 24 = 18/200 \text{ میلیون تومان}$$

$\times 100 = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل} - \text{تولید ناخالص داخلی سال جاری}}{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل}}$  نرخ رشد تولید

$$100 = \frac{x - 230}{230} \times 100 \Rightarrow \text{نرخ رشد تولید اسمی در سال دوم نسبت به سال اول}$$

$$\Rightarrow x = 253 \text{ میلیون ریال}$$

$$5 = \frac{y - 225}{225} \times 100 \Rightarrow \text{نرخ رشد تولید واقعی در سال سوم نسبت به سال دوم}$$

$$\Rightarrow y = 341/25 \text{ میلیون ریال}$$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۲۲ و ۱۲۳)

### ۱۹۴- گزینه «۲»

(مبیین فزینی)

بررسی عبارات صورت سؤال:

(الف) نادرست است؛ تعداد بیکاران در این کشورها کم است، اما برابر با صفر نیست.

(ب) صحیح است.

(ج) نادرست است؛ از ثبات نسبی (نه کامل) قیمت‌ها و بازارها برخوردار هستند.

(د) صحیح است.

(ه) صحیح است.

(و) نادرست است؛ در شرایط بحرانی می‌توانند نیازهای اولیه خود را تأمین و حتی مازاد آن را صادر کنند.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۱۸)

### ۱۹۵- گزینه «۴»

(مهری کردردان)

تشریح گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: یکی از شاخص‌های رایج جهانی برای اندازه‌گیری پیشرفت‌های اقتصادی کشورهای گوناگون، شاخص‌های توسعه انسانی یا (HDI) است.

گزینه «۲»: مؤلفه‌هایی چون نرخ باروری، نابرابری‌های جنسیتی، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، بهداشت عمومی، شاخص‌های فقر و پایداری محیطی، در گزارش‌های توسعه انسانی منعکس می‌شود.

مؤلفه‌هایی نظیر میزان امید به زندگی در بدو تولد، میانگین سال‌های تحصیل، سرانه درآمد ناخالص ملی و شاخص‌های نابرابری، تشکیل‌دهنده شاخص توسعه انسانی است.

گزینه «۳»: اگر معیارهای اندازه‌گیری رشد اقتصادی، یعنی رشد تولید ناخالص داخلی را با معیارهای اندازه‌گیری نابرابری‌های درآمدی و نیز سایر

میزان افزایش تولید کل ناشی از افزایش تولید کالاها و خدمات در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال پایه:

$$\text{ارزش تولید کل در سال پایه} - \text{ارزش تولید کل در سال ۱۴۰۱ به قیمت جاری} = \text{میلیون تومان } 39/800 - 24 = 63/800$$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۲ و ۱۲۳)

## ۱۹۷- گزینه «ا»

(کتاب آبی پیمانهای - فارح از کشور، تیرماه ۱۴۰۲)

$$\frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}} = \text{شاخص دهک}$$

$$7 = \frac{21}{3} = \text{شاخص دهک در کشور «الف» در سال ۱۳۷۰}$$

$$5 = \frac{20}{4} = \text{شاخص دهک در کشور «الف» در سال ۱۳۸۰}$$

$$4/75 = \frac{19}{4} = \text{شاخص دهک در کشور «الف» در سال ۱۴۰۰}$$

هرچه عدد مربوط به شاخص وضعیت توزیع درآمد (شاخص دهک - نسبت سهم دهک دهم به سهم دهک اول) کمتر باشد: توزیع درآمد در آن جامعه مناسب‌تر است و بالعکس. (هرچه عدد مربوط به شاخص توزیع درآمد بزرگتر باشد، توزیع درآمد ناعادلانه‌تر است.) مشاهده می‌شود شاخص دهک در کشور «الف» از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۴۰۰ رو به کاهش است. در نتیجه وضعیت توزیع درآمد در این کشور رو به بهبود و به سمت عادلانه‌تر شدن است.

$$3/6 = \frac{18}{5} = \text{شاخص دهک در کشور «ب» در سال ۱۳۷۰}$$

$$2/5 = \frac{15}{6} = \text{شاخص دهک در کشور «ب» در سال ۱۳۸۰}$$

$$2/28 = \frac{16}{7} = \text{شاخص دهک در کشور «ب» در سال ۱۴۰۰}$$

مشاهده می‌شود شاخص دهک در کشور «ب» نیز از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۴۰۰ رو به کاهش است. در نتیجه وضعیت توزیع درآمد در این کشور رو به بهبود و به سمت عادلانه‌تر شدن است.

به‌طور کلی شاخص دهک در کشور «ب» در مقایسه با شاخص دهک‌ها در کشور «الف» در هر سال، عددی کوچک‌تر است. در نتیجه می‌توان گفت وضعیت توزیع درآمد در کشور «ب» عادلانه‌تر از وضعیت توزیع درآمد در کشور «الف» است.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۴ و ۱۲۵)

## ۱۹۸- گزینه «ب»

(سارا شریفی)

تولید خارجیان مقیم کشور - تولید ناخالص داخلی = تولید ناخالص ملی  
سهم تولید مردم کشور که در خارج اقامت دارند +

$$345 = 320 - x + 32 \Rightarrow 345 = 352 - x \Rightarrow x = 7$$

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۰ و ۱۲۱)

## ۱۹۹- گزینه «ا»

(کتاب آبی پیمانهای)

الف) هر چه شاخص مربوط به توزیع درآمد، کوچک‌تر باشد، توزیع درآمد عادلانه‌تر و بالعکس هر چه عدد مربوط به شاخص توزیع درآمد بزرگ‌تر باشد، توزیع درآمد ناعادلانه‌تر است.

بنابراین در سال ۱۳۸۷ که شاخص توزیع درآمد از همه کوچک‌تر (برابر با ۱۰) است عادلانه‌تر و در سال ۱۳۹۰ که این عدد بزرگ‌تر است (برابر با ۲۵) توزیع درآمد ناعادلانه است.

ب) در سال ۱۳۸۱، شاخص مربوط به توزیع درآمد برابر با ۲۰ است، یعنی ده درصد ثروتمندان، بیست برابر ده درصد فقرا درآمد داشته‌اند.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه ۱۲۵)

## ۲۰۰- گزینه «ب»

(سارا شریفی)

بررسی عبارات صورت سؤال:

الف) صحیح است.

ب) غلط است؛ شاخص‌های دیگری مانند: مبارزه با فساد، بهبود فضای کسب و کار، رشد علم و فناوری، موضوعات محیط‌زیستی و پیشرفت‌های فرهنگی و معنوی در ارزیابی از پیشرفت، در نظر گرفته نمی‌شود.

پ) صحیح است.

ت) صحیح است.

ث) صحیح است.

ج) غلط است؛ اهمیت عدالت اقتصادی و اجتماعی برای کشورهای مختلف (مثلاً کشور ما با کشورهای سرمایه‌داری غربی) یکسان نیست.

(اقتصاد، رشد و پیشرفت اقتصادی، صفحه‌های ۱۲۷ و ۱۲۸)

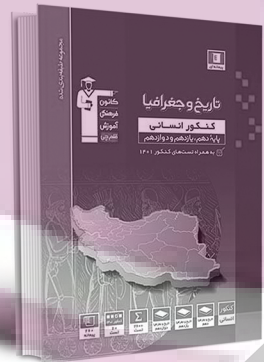
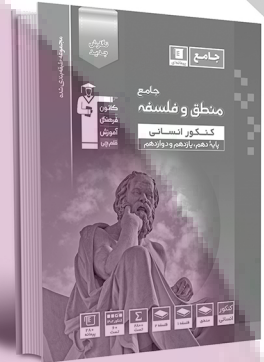
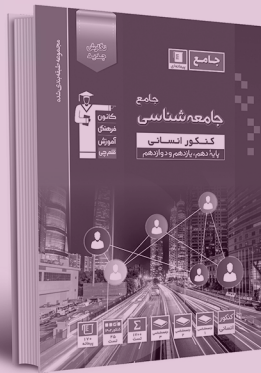
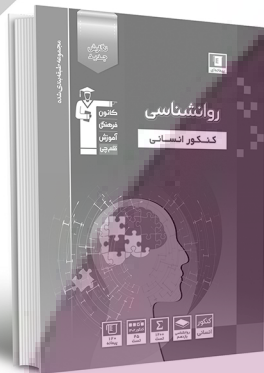


کانون  
فرهنگی  
آموزش  
قلم‌چی

# کتاب‌های آیة انسانی را



## پیمان‌های تعمیرین گنبد



و فی  
را  
رع  
م  
ف



۸۴۵۱

[www.kanoon.ir](http://www.kanoon.ir)

[www.kanoonbook.ir](http://www.kanoonbook.ir)

